

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۳۴

جمعه ۲۹ مرداد ۱۴۰۰ - ۲۰ اوت ۲۰۲۱

### در مورد قدرت گیری طالبان در افغانستان

افغانستان بار دیگر بدست گروه اسلامی طالبان افتاده است. با عقب نشینی نیروهای آمریکا از این کشور طالبان طی حدود ده روز کل افغانستان را اکثرآ بدون جنگ و درگیری تسخیر کرد و روز ۱۵ اوت با فرار اشرف غنی رئیس جمهور سابق، طالبانها وارد ارگ ریاست جمهوری شدند و پیروزی نهایی خود را اعلام کردند.

چه شد که افغانستان به این روز افتاد؟ مهمترین نکته ای که باید توجه کرد اینست که سیاست دولت آمریکا در افغانستان نه امروز و با اسلحه طالبان، بلکه از سالها قبل به دلیل خصلت قومی مذهبی دولتهای دست ساز آمریکا و فساد و دزدی و رقابتها و کشاکشهای دستجات مختلف حکومتی بر سر قدرت ثروت، و در نتیجه منفور و منزوی شدن این دولتهای پوشالی در میان مردم افغانستان، به شکست رسیده بود.

توصیف آنچه این روزها در افغانستان میگذرد بطور واقعی ممکن نیست. فضایی از ترس و ترور و وحشت میلیونی و توده ای، هرج و مرج تمام عیار، از هم گسیختگی شیرازه اجتماعی، و قهقرازی یک جامعه، همه اینها را میشود در افغانستان امروز مشاهده کرد. صفهای بسیار طویل مردمی که پیر و جوان و کودک و بیمار در اوج ناامیدی و وحشت با هر وسیله ای حتی پیاده و با پای برهنه در تلاش فرار از جهنم طالبان به کشورهای همجوار هستند، برآستی تکان دهنده و باورنکردنی است. خبرهایی از تفتیش خانه ها، دستگیریها و اعدامهای جمعی مخالفان طالبان و سربازان تسلیم شده، اجبار خانواده ها به تحویل دادن دختران جوانشان برای نکاح اسلامی بانبروهای طالبان و امثال اینها وسیعا منتشر شده است. بازگشت به عصر توحش و بربریت را میتوان در افغانستان امروز زیر سیطره توحش اسلامی طالبان بروشنی مشاهده کرد.

دولت آمریکا در پی حمله تروریستی القاعده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به افغانستان لشکر کشید، دولت طالبان را که دست ساز خودش بود ساقط کرد و حکومت قومی- مذهبی دیگری را سرکار آورد. حکومتهای بعد از طالبان هم چیزی جز فساد و دزدی و تفرقه قومی و مذهبی و از هم گسیختگی را به صحنه نیاوردند. طی چندین دهه گذشته افغانستان صحنه جنگها و رقابتها و کشاکشهای نظامی دستجات مذهبی و قومی و ارتجاعی و مافیای قاچاق تریاک بوده است که به نیابت دولتهای آمریکا و پاکستان و جمهوری اسلامی و عربستان و برخی حکومت های دیگر این کشور را به جهنمی علیه مردم تبدیل کرده بودند.

ادامه در صفحه ۲



## ما مردم این گنگسترهای اسلامی را سرنگون می کنیم!

در این شماره انترناسیونال: شماره صفحه:

در مورد قدرت گیری طالبان در افغانستان. بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران

بازگشت زامبی های مسلح! محسن ابراهیمی

افغانستان به کجا میرود؟ متن مصاحبه حمید تقوایی با کانال جدید

گانگستریسم اسلامی و سرمنشا آن! سیاوش مدرسی

باید کاری کرد. مینا احدی

زنده باد افغانستان جدید! کاظم نیکخواه

جهان باید به حمایت از مردم افغانستان برخیزد! فراخوان حزب

پیام شیرین شمس مسئول انقلاب زنانه به زنان افغانستان!

شما در تاریخ نمی میرید؛ بلکه نفس وجود و اعتراضات تاریخ ساز

است! سازمان جوانان کمونیست

اعتصاب نفت، اعتصابی قدرتمند. شهلا دانشفر

ادامه دادگاه حمید نوری در استکهلم. گفتگو با هرمز رها

از مدیای اجتماعی حزب

اطلاعیه های حزب

از ۱۷ تا ۳۳

## سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ادامه از صفحه ۱

باتلاق دفاعی در برابر جنبش های پیشرو و چپ و همچنین بلوک رقیب روسیه - چین ایفا کند.

اکنون طالبان بر افغانستان حاکم شده است. از همان روز اولی که این نیروی فوق ارتجاعی و واپسگرا به قدرت رسید، جنبش سرنگونی طلبی علیه طالبان نیز پا گرفت. زنان و مردان بسیاری در شهرهای تهران و قم و اصفهان و در دیگر کشورهای جهان جمع شدند و فریاد "امارت اسلامی نمیخواهیم نمیخواهیم" را سر دادند. این شروع یک جنبش نوین و پیشرو است که بدون تردید آینده افغانستان جدید، افغانستان بدون یکه تازی اسلام و قوم گرایی و جنگ و کشاکشهای دستجات ارتجاعی را رقم خواهد زد. طالبان از هیچ پایگاه مردمی در افغانستان برخوردار نیست و بویژه با توجه به تجربه خونبار و سیاه دوره قبل حکومتش، عمیقاً در میان مردم منفور است. مردم و بویژه زنان این کشور همچون زنان و مردان رزمنده در ایران زندگی مدرن و انسانی و بدور از یکه تازی مذهب میخواهند و صدای آنها بدون تردید خیلی زود به صورت یک جنبش گسترده ضد اسلامی و سکولار و انسانگرا در همه جا شنیده خواهد شد جنبشی که به جنبش سرنگونی و آزادیخواهانه علیه جمهوری اسلامی در ایران مستقیماً وصل است و با آن پیوند ناگسستنی دارد. اینها جنبشهای امید بخشی هستند که هم جمهوری اسلامی در ایران و هم امارات اسلامی طالبان در افغانستان را برای همیشه به زباله دان تاریخ خواهند انداخت.

حزب کمونیست کارگری فعالانه خود را در کنار مردم ستمدیده افغانستان میداند و همه مردم جهان را به حمایت از مبارزه مردم افغانستان علیه توحش اسلامی طالبان و کل ارتجاع قومی - مذهبی فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۸ مرداد ۱۴۰۰، ۱۹ اوت ۲۰۲۱

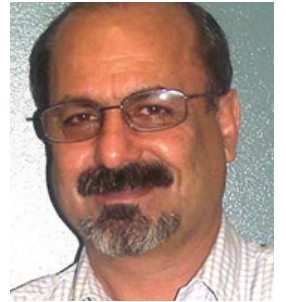
حاصل حکومت های قومی - مذهبی دست ساز آمریکا برای مردم افغانستان بر متن جنگها و رقابتهای قومی - عشیرتی، دریایی از فقر و بی خانمانی و ناامنی و بی تامینی و آوارگی میلیونها نفری بود. دولتهای دست نشانده آمریکا و در راس آنها کرزای و غنی نتوانستند پایگاهی در میان مردم بدست آورند و هر روز با غوطه ور شدن بیشتر در دزدی و فساد و کشاکشها و رقابتهای مافیای قاچاق، بیشتر و بیشتر مورد نفرت مردم قرار گرفتند. همزمان دستجات اسلامی و قومی در مناطق مختلف افغانستان بویژه در مناطق غیر شهری حوزه نفوذ و فعالیت بیشتری کسب کردند. دولتهای اسلامی نظیر ترکیه و جمهوری اسلامی و پاکستان به تربیت و سازمان دادن بخشهای مختلف طالبان در جهت سیاستهای خود شدت دادند و فشار روی دولت موزاییکی افزایش یافت.

اکنون سالهاست که برای دولت آمریکا روشن است که در افغانستان شکست خورده است و دولتهای دست نشانده اش بدون حداقل پشتوانه مردمی تنها با پمپاژ پولهای کلان و ساپورت ارتش آمریکا سر پا مانده اند و هیچ آینده ای نداشتند.

اما نکته مهمتر اینست که دولت آمریکا فقط منطقه را بی دفاع در مقابل طالبان خالی نکرد. استراتژی دولت آمریکا از اواخر دوره اوپاما احمیای سیاسی طالبان و بازگرداندن آن به قدرت بود. زندانیان طالبان را آزاد کردند، برایشان در دوحه دفتر سیاسی سر هم کردند، و به مذاکره برای تحویل تحول قدرت پرداختند. در واقع طالبان را طی یک روند نقشه مند از حاشیه بیرون آوردند و به جلو راندند. مشابه همان کاری که در سال ۵۷ با خمینی کردند و او را از انزوا در حجره های نجف به پاریس زیر نورافکن بردند. طالبان از نظر سیاست گذاران این کشور میتوانند حکومت قویتر و با ثبات تری از دولتهای باسمة ای قبلی باشد و نقش یک کمر بند و یا بهتر است گفته شود یک



## بازگشت زامبی های مسلح! آنها را باید به گورهایشان برگردانیم!



محسن ابراهیمی

در فولکلورهای هائیتی و آفریقا این تصویر از زامبیا در ذهن مجسم میشود: اجساد متحرکی که جادوگری خبیث به زندگی برگردانده است تا در خدمت قدرت او قرار گیرند. ارواحی که اگرچه تلوتلو خوران خود را به این سو و آن سو می کشند، اما قرار است "زمین را پرتاب کرده و زندگی را عذاب دهند". از تخیل خلاق هالیوود زامبی های دیگری هم متولد شده اند: زامبی های تندرو! آنها افتان و خیزان راه نمی روند. میتوانند از بلندیها بالا بروند. میتوانند بپرند. میتوانند با سرعت بدوند!

زامبی های اسلامی که در این هفته شوم تاریخ به افغانستان پرتاب شدند تا زندگی را عذاب دهند، به مخلوقهای هالیوود بیشتر شبیه اند با این تفاوت که اینها مومن اسلامی و البته قاچاقچیان قهاری هم هستند. زامبی های اسلامی را جادوگری خبیث از روستایی دور افتاده در هائیتی زنده نکرده است. بازگشت اینها از گورهایشان در اتاق فکری در قلب آمریکا با حضور کت و شلوار پوشان کراواتی ادکلن زده بسیار خبیث تر از جادوگر هائیتی رقم خورده است که با همدستی عمامه بسرها و عبا پوشها در تهران و ریاض و کراچی به سرانجام رسیده است. اینها سوار هاموی های آمریکا هستند، سرعتشان بیشتر است و قدرت تخریب بیشتری دارند. و امروز به ین سیاستهای مشترک روسای جمهور جمهوریخواه قبلی و دمکرات امروز آمریکا، صاحب تانک و پهپاد و هلی کوپتر و زردخانه عظیمی از سلاحهای مدرن شده اند و قدرت مرگ آفرینی شان بسیا بیشتر شده

است.

### چه اتفاقی افتاد؟

چطور در میان بهت و حیرت مردم جهان، در میان بهت و نگرانی مردم ستمزده افغانستان، در میان بهت و شوک و هراس زنان همیشه پایمال شده افغانستان، چنین موجودات خطرناکی که با هر جلوه ای از انسانیت دشمنی دارند، یک شبه در ارگ ریاست جمهوری افغانستان حضور بهم رسانند؟

### مردم خود مقصرد!

"مردم افغانستان خودشان مقصرد. فرهنگشان عقب است. خودشان مذهبی هستند. طالبان بخشی از واقعیت افغانستان است و حکومت شایسته این مردم!" این پاسخی است که که مبلغان هیئت حاکمه آمریکا و دول غرب و حکام مرتجع اسلامی منطقه تولید میکنند و قلم به مزدان روزنامه های رسمی و دهن به مزدان شبکه های تصویری تحت عناوین مشعشعی شبیه "تحلیلگران ارشد" مسائل منطقه مثل نقل و نبات تکرار میکنند. شاید کسانی به خاطر بلاهت سیاسی چنین احکامی را تکرار میکنند اما توضیح تراژدی افغانستان با این احکام در اصل برای توجیه توطئه شنیعی است که از دو سال پیش رسماً در دوحه علیه مردم افغانستان آغاز شده بود. دنیایی از رذالت و دغلکاری سیاسی در چنین توجیهاتی نهفته است.

عمر این تحلیلهای به دورانی بر میگردد که آمریکا میخواست "نظم نوین جهانی" بعد از فروپاشی شوروی را با راه انداختن دولتهای موزاییکی قومی- مذهبی- عشیرتی در منطقه قالب بزند. در متن شکست "نظم نوین جهانی" و "خاورمیانه بزرگ" جرج بوش بود که تئوری پست مدرنیستی فوق ارتجاعی

نسبیت فرهنگی را خلق کردند تا برای حکومتهای قومی- مذهبی با حضور جنگسالاران و قبیله سالاران اسلامی پوشش و توجیه اخلاقی، سیاسی و مردم شناسانه درست کنند. تا بگویند که چنین حکومتهایی با فضای فکری این جوامع تناسب دارد. لویه جرگه افغانستان، این لانه همه جور جانور اسلامی و عشیرتی با کارنامه سنگین آدمکشی، نمونه ای از استقرار این سیاست ارتجاعی بود که قرار بود نقش پایه دمکراتیک برای دولت دست نشانده های فاسدی مثل حمید کرزای و اشرف غنی ایفا کند.

نه خیر، لویه جرگه شایسته مردم افغانستان نبود و طالبان هم بخشی از واقعیت افغانستان نیست. اگر بود صحنه های فرار یک شهر و آویزان شدن آدمها از بال هواپیماها را شاهد نبودیم که داشتند شهری را هراسان ترک میکردند که زامبیهای اسلامی به آن وارد شده بودند.

نه خیر، مردم در این میان هیچ نقشی ندارند جز قربانی شدن. مردم افغانستان در همین بیست سال گذشته که پنجره های کوچکی برای نفس کشیدن بوجود آمده بود نشان دادند که مثل هر انسانی کار و رفاه و آزادی و امنیت و موزیک و رقص و شادی و عشق و عشق و ورزیدن و در یک کلام زندگی میخواهند. و این یعنی طالبان نمیخواهند.

### جنگ مردم افغانستان را خودشان باید پیش ببرند!

جوابیدن که در استراحتگاه کمپ دیوید نتیجه توافق دوحه، دستپخت مشترک ترامپ و خودش یعنی یورش ریشمردان مسلح به افغانستان را دنبال میکرد، بعد از بازگشت به کاخ سفید تراژدی افغانستان را با

چند جمله توضیح داد: ما برای ملت سازی و ساختن دموکراسی به افغانستان نرفته بودیم؛ نیروهای نظامی افغانستان اراده ای برای جنگیدن از خود نشان ندادند و آمریکا نمی توانست "اراده آنها ببخشد. جیک سالیوان مشاور امنیت ملی هم سخنان رئیسش را اینطور تکمیل کرد که چرا سربازان آمریکا وارد جنگی شوند که خود نیروهای افغانستان در آن نمی جنگند!

واقعیت چیز دیگری است. این جنگ مردم افغانستان هرگز نبوده و امروز هم نیست. این جنگی نیابتی بود که ریگان به کمک پاکستان و عربستان سعودی و توسط مجاهدین اسلامی در افغانستان راه انداخته بود تا کمربند سبز شوم اسلامی در منطقه در مقابل اردوگاه رقیب یعنی شوروی راه بیاندازند. تا نیروهای مدرن و آزادخواه پیشرو، نیروهای چپ و کمونیست در منطقه را با جنبش اسلامی محاصره کنند که یک دهه قبلتر در ایران با به قدرت رساندن خمینی آغاز کرده بودند.

از 11 سپتامبر به بعد این جنگی بود میان فرانکشتاین و مخلوق مخوفش. جنگی بود میان دولت آمریکا با مخلوق شرور خودش. طالبان موجود هراسناکی بود که آمریکا در اوج جنگ سرد از میان مومنین اسلامی که در مدارس اسلامی کوئته پاکستان مغزشان تهی شده بود تولید کرد. در این آزمایشگاه های احمق سازی بود که به کمک سازمان سیا و آی اس آی پاکستان تکه پاره های بدن جنازه های اسلامی را به هم وصل کردند، روی کله شان عمامه گذاشتند، بر یک دوششان لنگ و بر دوش دیگرشان مسلسل انداختند، سوار موتور و خودرو کردند و به جان مردم افغانستان انداختند. سخنرانی زیبگنیو برژینسکی، این روپا مکار لهستانی در ساختار امنیتی آمریکا در آن روزها در کوئته پاکستان خطاب به این مومنین

براستی مضمئز کننده بود که از این موجودات میخواست به افغانستان گسیل شوند و مناره ها و منابر و مساجد را نجات دهند!

### پیروزی نظامی؟ پیروزی سیاسی؟

ظاهر قضیه این است که عمامه داران دمپایی پوش ریش و پشم دار متحجر توانستند در عرض کمتر از چند هفته بر یک دولت و یک ارتش مدرن سیصد هزار نفره آموزش دیده توسط آمریکا و مجهز به مدرنترین سلاحها پیروز شوند. این تصویری است که هیئت حاکمه آمریکا و رسانه های رسمی نوکر صفت در غرب به جهان پمپاژ میکنند.

ذره ای حقیقت در این تصویر نیست. در افغانستان دولتی نبود که ساقط شود. بر سر افغانستان یک شرکت سهامی اسلامی-قومی با هیئت مدیره ای مرکب از جنگسالاران اسلامی و عشیرتی مسلط کرده بودند که اغلبشان کارنامه سنگینی از دزدی و فساد و حتی آدمکشی زیر بغل داشتند و شغل اصلیشان سازماندهی فساد و چپاول و تقسیم گوشت قربانی میان خودشان بود. اشرف غنی رئیس هیئت مدیره این شرکت بود که تا دید سهام خود و سودهای سرشارش به خطر افتاده است، فلنگ را بست و خودش و پولهایش را در امارات متحده عربی پناهنده کرد!

ارتش چطور؟ آیا درست است که طالبان بر یک ارتش سیصد هزار نفره باتجهیزات مدرن غلبه کرد؟ نه خیر. ارتشی در میدان نبود که طالبان پیروز آن میدان باشد. تسلیم فرماندهان ارتش خود یک بخش مهم توطئه طراحی شده در دوحه بود. اشرف غنی درست در لحظات ورود طالبان به کابل روبوسی هایش با طالبان را انجام داده بود و چمدانهایش را بسته

ادامه از صفحه ۳

بود. فرماندهان فاسد ارتش و جنگ سالارانی مثل ژنرال دوستم و اسماعیل خان هم بعد چند رجزخوانی شهرها را یکی پس از دیگری تحویل طالبان دادند. اسماعیل خان زیر نظر طالبان به مشهد مشرف شد! در کدام کشور، در کجای تاریخ، کدام سربازان برای حفاظت از فرماندهانی جنگیده اند که دستشان در دست دشمن است که سربازان افغانستان دومی باشند؟

## اسلام سیاسی هنوز مورد نیاز است!

توافق دوحه، نقش کنفرانس گوادلوپ برای افغانستان را بازی کرد.

اگر بخواهیم در تاریخ نیم قرن گذشته دو مثال از شایع ترین معاملات سیاسی نام ببریم، بدون تردید، اولی توافق سران چهار دولت آمریکا، فرانسه، انگلستان و آلمان در کنفرانس گوادلوپ بود که حاصلش شکست انقلاب ۵۷ و عروج خمینی و اسلام سیاسی در ایران بود. دومی مذاکرات دوحه است که حاصلش بازگرداندن طالبان و مسلط کردنش بر چهل میلیون مردم افغانستان است.

ایران در آستانه تعیین تکلیف با اسلام سیاسی است. آمریکا و دول غرب، همچنین روسیه و چین و دول ارتجاعی منطقه به ادامه حضور اسلام سیاسی در منطقه نیاز دارند. میدانند که پیشروی و پیروزی جنبش سرنگونی در ایران، اسلام سیاسی و باندهای اسلامی را از صحنه سیاسی جارو خواهد کرد. میدانند که چنین تحولی در ایران بی تردید و خیلی سریع در افغانستان و عراق هم جریانات و باندهای اسلامی را به دیار عدم خواهد فرستاد. میدانند در این میان جنبش برای آزادی و برابری و رفاه نیرو خواهد گرفت. میدانند که چشم انداز تیره اسلام سیاسی در ایران، پیروزی جنبش سرنگونی

جمهوری اسلامی و چشم انداز حضور نیروهای چپ در آینده سیاسی ایران و به این اعتبار منطقه بسیار قوی است.

بازگرداندن طالبان به قدرت در واقع حمله ای پیشگیرانه برای مقابله با چنین آینده ای است. بی دلیل نیست که در کنار چراغ سبزه های پیشروانه دول غرب به طالبان، روسیه و چین حتی چراغ سبزه هایشان را در سفارتخانه هایشان در کابل روشن نگه داشته اند.

## جمهوری اسلامی و طالبان!

جمهوری اسلامی در بازگرداندن طالبان به افغانستان فعالانه نقش ایفا کرد. از این لگدمال کنندگان اسلامی حقوق بشر جواد ظریف که "خودش حقوق

بشر درس میداده" در تهران پذیرایی بسیار دوستانه ای کرد. آنها که قبل از مذاکرات دوحه تروریست بودند، یکباره به "برادران جهادی"، "بخشی از جامعه افغانستان" ارتقاء مقام یافتند.

"منافع ملی" جمهوری اسلامی از تسلط طالبان با جان و زندگی چهل میلیون انسان در کشور همسایه چه ها هستند؟

یک رکن مهم سیاسی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی خصومت با تمدن غرب است. جمهوری اسلامی و طالبان اگر چه به دو شاخه متفاوت و رقیب تروریسم اسلامی تعلق دارند اما بالاخره طالبان خود یک باند ضد فرهنگ و تمدن غرب است و به این اعتبار بازگشت طالبان شکستی برای "شیطان بزرگ" و پیروزی اسلام محسوب میشود.

جمهوری اسلامی در عراق مورد خشم و انزجار است. اعتراضی در عراق نیست که در آن علیه سران حکومت اسلامی شعار داده نشود و مردم خواهان ریشه کن کردن حضور جمهوری اسلامی و دار و دسته مسلحش در عراق نباشند.

بازگشت طالبان به افغانستان را جمهوری اسلامی امکانی برای خنثی کردن تضعیفش در عراق و منطقه تلقی میکند.

جمهوری اسلامی خود پیش کسوت طالبان در تبه کاری و جنایت و آزار زنان و تلخ کردن زندگی بر شهروندان است. همین الان از رئیس جمهورش در رسانه های جهان به عنوان "قصاب تهران" یاد میشود. سران متحجر حکومت اسلامی در این تصور هستند که شاید حضور طالبان در کشور همسایه که توحش اسلامیش را قبلا در مقابل چشم جهانیان انجام داده است بتواند امکانی فراهم کند که جمهوری اسلامی چهره "اسلام خوب" از خودش ارائه دهد.

این ها همه رویاهای پوچ حکومتی هستند که هر شب با کابوس سرنگون شدن سر بر بالین خونینش میگذارد. طالبان نمیتواند شرایطی برای نجات جمهوری اسلامی فراهم کند. برعکس است. این آینده تیره خود جمهوری اسلامی، پیشروی جنبش سرنگونی در ایران و پایان دادن به عمر حکومت اسلامی است که چشم انداز تثبیت طالبان را تیره و تار میکند. با تشییع جنازه جمهوری اسلامی، مردم افغانستان که مقابله با طالبان را شروع کرده اند و دارند خودشان را در افغانستان و دنیا برای مقابله وسیعتر آماده میکنند، طالبان را تشییع جنازه خواهند کرد.

## طالبان عوض شدنی نیست!

میگویند طالبان عوض شده است. میگویند طالبان مثل بیست سال پیش نیست. به سخنان سخنگوی طالبان مراجعه میکنند که گفته زنان هم به مکتب خواهند رفت. طالبان عوض نشده است و عوض شدنی نیست و عوض نخواهد شد. آمده اند قوانین شریعت را پیاده کنند و این یعنی تجاوز سازمان یافته

مجاهدین اسلام به زنانی که به یمن حمایت آمریکا و دول غرب الان به اسارت طالبان درآمده اند و غنیمت جنگی اسلام محسوب میشوند. این یعنی زندانی کردن زنان در زندان متحرک برقع که فقط دریچه مشبک کوچکی برای تنفس کردن دارد. این یعنی امر به معروف و نهی از منکر زنان و مردان توسط شلاق بدستان ریش و پشم دار طالبان در کوچه و خیابان. طالبان "عوض" شده همین دیروز زنی را در ملاعام بعد از عربده هایی از قران با طپانچه اعدام کرد.

البته انصافا باید گفت طالبان از یک نظر عوض شده است. تجربه کسب کرده است. داعش را دیده است که چگونه از رسانه ها و شبکه های مدرن برای پیشبرد تحجر خونینش استفاده کرد. از تجربه پیش کسوت اسلامیش یعنی خمینی و جمهوری اسلامی آموخته است که چگونه میتوان به چشم خبرنگاران جهان نگاه کرد و مثلا در باره آزادی و حرمت زنان در اسلام، آزادی بیان و روزنامه ها در جمهوری اسلامی دروغ گفت و بعد از کوبیدن میخها چشم در چشم همان خبرنگاران گفت: "خدعه کردیم!"

طالبان دارد مثل پیشکسوت اش در ایران خدعه میکند. خدعه میکند تا پاهایش را سفت کند. تا دول غرب بدون نگرانی از واکنش افکار عمومی کشورهای متبوعه همچنان دستان خون آلودش را بفشارند. می بینید که چطور سران دول غرب یک در میان از این صحبت میکنند که طالبان را در عمل قضاوت خواهند کرد!

کاخ سفید اعلام کرد تنها در صورتی حکومت طالبان را به رسمیت می شناسد که آنها به حقوق زنان احترام بگذارند و تروریست ها را طرد کنند! جوزف بولر، رئیس دستگاه سیاست خارجی اتحادیه اروپا اعلام کرد که "باید با طالبان صحبت کرد زیرا آنها در جنگ پیروز شده اند". بوریس جانسون، نخست وزیر بریتانیا

خواستار اعلام کرد که "به رسمیت شناختن طالبان منوط به رعایت حقوق بشر خواهد بود". در یک کلام اینها همه تایید ضمنی طالبان در پوشش عبارات دیپلماتیک است که فقط بوی تعفن میدهد. همه این ها نشان میدهد که "خدعه طالبان" اگر چه حتی یک ذره از انزجار و نفرت مردم افغانستان نسبت به این موجودات خطرناک کم نکرده است، اما در میان مقامات دول غرب کار کرده است. به آنها امکان داده است که نقش پیشروانه خود در بوجود آوردن این وضعیت در افغانستان را در زورق عبارات پردازیهایی پوچ در باره خواست "رعایت حقوق بشر توسط طالبان" بیوشانند و مهمتر از این برای مماشات بعدیشان با طالبان زمینه سازی کنند.

## مرگ بر طالبان، چه کابل چه تهران!

اولین بار این شعار را ۲۲ سال پیش معترضین در پی سرکوب خونین جنبش دانشجویی در تهران فریاد زدند. این هفته بعد از بازگرداندن طالبان به افغانستان این شعار مجددا در تهران طنین انداز شد. چهار سال پیش این شعار در ایران طنین انداز شد: "جمهوری اسلامی نمیخواهیم". در همین چند روز توسط تهیهکاران طالبان، تهران شاهد شعار "امارت اسلامی نمیخواهیم، نمیخواهیم" بود.

این چند اتفاق جلوه ای از این حقیقت است که از یکطرف سرنوشت طالبان و جمهوری اسلامی به هم گره خورده است و از طرف دیگر سرنوشت مردم افغانستان و مردم ایران در هم تنیده است. در هر دو کشور اسلام ایدئولوژی حاکم است. در هر دو کشور ارتجاع اسلامی دست اندر کار پایمال کردن همه جلوه های زندگی است. در هر دو کشور نفرت از حکام اسلامی موج میزند. در هر دو

ادامه در صفحه ۵

ادامه از صفحه ۴

## افغانستان به کجا میرود؟

این نوشته بر مبنای مصاحبه با حمید تقوایی در تلویزیون کانال جدید تدوین شده است



## خط و سیاست حکومت آمریکا در خاورمیانه از همان ابتدا که در برابر نفوذ شوروی مجاهدین افغان را ساختند که بعد طالبان از دلش زائیده شد، همواره اتکا به نیروهای قومی مذهبی و عشیرتی بوده است. و یکی از این نیروها طالبان است.

جهتگیری بود که رهبران و فعالین طالبان را از زندان آزاد کردند، در دوحه برایشان دفتر سیاسی سرهم کردند، متحدین منطقه ای آمریکا نظیر قطر و پاکستان و عربستان با چراغ سبز آمریکا به طالبان میدان و امکان ابراز وجود سیاسی دادند و خود دولت آمریکا مذاکره با آنها را بر سر بازگرداندنشان بقدردان آغاز کرد. مذاکراتی تحت عنوان صلح و شریک شدن طالبان در دولت موجود افغانستان، در حالیکه همه میدانستند و خود طالبان هم صریحا اعلام کرده بود که دولت اشرف غنی را قبول ندارد و به چیزی کمتر از امارت اسلامی و قوانین شریعه رضایت نمیدهد. دولت آمریکا و نیروهای ناتو دقیقا میدانستند چه میکنند.

حالا در پرده آخر این سناریو،

ادامه در صفحه ۶

موضوع روشن است، بحث بر سر ناتوانی نیست، مساله اینست که نخواستند. خط و سیاست حکومت آمریکا در خاورمیانه از همان ابتدا که در برابر نفوذ شوروی مجاهدین افغان را ساختند که بعد طالبان از دلش زائیده شد، همواره اتکا به نیروهای قومی مذهبی و عشیرتی بوده است. و یکی از این نیروها طالبان است. همانطور که در نوشته دیگری هم توضیح داده ام بعد از اینکه دیدند دولتهای باسمة ای و پوشالی دست سازشان مثل دولت حامد کرزای و لویا جرگه و دولت اشرف غنی نمیتوانند پایگاه محکمی برای پیشبرد سیاستهای آمریکا باشند دوباره به طالبان روی آوردند. از همان اواخر دوره اوباما این جهتگیری شروع شد. اوباما خطاب به نیروهای اسلامی اعلام کرد مشتبهایان را باز کنید تا با هم دست بدهیم و در ادامه این

حکومت آمریکا است که آنها را ساخته و سر کار آورده و بیست سال با حمایت همه جانبه آنها را در قدرت نگهداشته است. ولی مساله فقط این نیست. این هنوز همه نقش و عملکرد دولت آمریکا و هم پیمانان آنها در فاجعه ای که شاهدیم توضیح نمیدهد.

واقعیت اینست که که از مدتها قبل، از دوره اوباما، هیات حاکمه آمریکا با یک سیاست فکر شده و نقشه مند دوباره به طالبان پروبال داد و آنها را به صحنه آورد. همانطور که شما در مقدمه اشاره کردید طالبان از نظر سیاسی مرده بود. ببینید، آمریکا و ناتو اراده کردند و نیروئی مثل داعش را طرف یکسال و خرده ای جمع کردند، اما بیست سال در افغانستان بودند و علیرغم اعزام نیروی نظامی و هزینه های سرسام آور نتوانستند جواب طالبان را بدهند! چرا؟

**خلیل کیوان:** چرا و چطور طالبان که یک نیروی سیاسی مرده بود مجدداً به صحنه سیاسی بازگشت؟ نقش دولت آمریکا و هم پیمانان آن و همچنین قدرت های جهانی و دولت های منطقه در روی کار آوردن طالبان چه بوده است؟ آیا آنطور که در برخی خبرها شنیده میشود طالبان تغییر کرده است؟ پذیرش حقوق زنان در چارچوب شریعت - که طالبان به آن اشاره دارد - به چه معنی است؟ آیا جامعه افغانستان در مقابل طالبان مقاومت خواهد کرد؟ جایگاه و اهمیت حمایت بین المللی از مبارزات مردم افغانستان در مقابل طالبان چیست و چگونه میتوان آنها را گسترش داد؟ سیاست دولت ها و جامعه جهانی در مقابل طالبان چه خواهد بود؟ اوضاع سیاسی ایران چه تأثیری بر روندهای سیاسی در افغانستان خواهد داشت؟ این سئوالات را با حمید تقوایی در میان میگذاریم.

حمید تقوایی، پیشروی برق آسا و تصرف بدون مقاومت کابل توسط طالبان، و در واقع تسلیم افغانستان به این نیروی فوق ارتجاعی با بهت و حیرت همگان روبرو شد. حتی برای طالبان هم این مساله غیر قابل انتظار بود. دولت و ارتش دست ساخته آمریکا و متحدین آن بسرعتی قابل باور است، فرو ریختند. شما در مطلبی در باره تحولات افغانستان نوشتید آمریکا دو بار طالبان را خلق کرد. اما رئیس جمهور آمریکا بایدن در باره خروج آمریکا از افغانستان مدعی شد که آمریکا بیست سال در آنجا بود، هزینه های زیادی را متحمل شد، ارتش قوی با تجهیزات مدرن ساخت اما دولت و ارتش مقاومت نکردند و به این ترتیب مسئولیت آنچه را که رخ داد را نپذیرفت. شما چه توضیحی در این مورد دارید؟

**حمید تقوایی:** باید گفت این ادعای بایدن پوچ و حتی وقیحانه است. حتی اگر مساله را به عدم مقاومت دولت و ارتش افغانستان تنزل بدهیم مسئول مستقیم آن خود

کشور اکثریت عظیمی از نسل جوان آگاه شکل گرفته است که بالاترین توقع از زندگی انسانی را دارند و نمیخواهند آرزوها و آمال های انسانیشان زیر سلطه یک مشت متحجر اسلامی نابود شود. و بالاخره، در هر دو کشور بازگرداندن زامبیهها به گورهایشان نیروی وسیع پشت سر دارد.

وقتی چهل سال پیش هیولای خمینی را بر سر مردم ایرن مسلط کردند، شاید تصورش سخت بود که روزی در خیابانهای ایران غول عظیم جنبش برای برابری و آزادی و زندگی انسانی در خیابانهای ایران با فریاد "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" به حرکت در خواهد آمد. صحنه های اعتراضی علیه حکومت اسلامی ایران، قطعاً توسط نسل جوان و مخصوصاً زنان افغانستان علیه طالبان تکرار خواهد شد. هنوز مردم در شوک و بهت هستند که خیابانهای جلال آباد همین دیروز به صحنه اعتراضی وسیع به مسلسل بدستان طالبان شد. اگر اسلام سیاسی در عراق و ایران و افغانستان مشغول لگدمال کردن شور و شادی و رنگ و آرزو و عشق و انسانیت و برابری و آزادی است، در مقابل در هر سه کشور انزجار از اسلام سیاسی، تصمیم برای متلاشی کردنش هم قدرتمند است. همه میدانند که سر هیولای اسلام سیاسی در ایران است. و همچنین همه میدانند که در ایران جنبش برای در هم شکستن این سر هم قدرتمند است و این جنبش هر روز قدرتمندتر میشود. دور نیست روزی که همسر نوشتهها و همزمان این جنبش در افغانستان و عراق و ایران در کنار هم، در همبستگی باهم برای همیشه کل موجودیت اسلام سیاسی در منطقه را برای همیشه دفن کنند.

افغانستان امروز غرق در اشک و اندوه و رنج میلیونها انسان و در صف اول زنان است، اما در عین حال، جنبشی بزرگ در منطقه شکل گرفته و در حرکت و پیشروی است که مسیر رهایی مردم افغانستان را هم فراهم میکند.

ادامه از صفحه ۵

” از این پس کشتار خیابانی طالبان در اپوزیسیون جای خود را به کشتار قانونی طالبان در دولت خواهد داد. طالبان میگویند قوانین و سیاستهایش در چارچوب قوانین شریعه خواهد بود. این یعنی ادامه جنایت و کشتار مردم. یعنی بازگشت به خانه اول. اگر امروز طالبان لحش تغییر کرده است بخاطر اینست که دنیا تغییر کرده است. بخاطر اینست که جامعه افغانستان توحش طالبان را یک بار تجربه کرده است و دیگر آنرا نمی پذیرد.“

یعنی بازگشت طالبان بقدرت، اظهار تعجب میکنند! میگویند اشتباه کرده اند، میگویند انتظار بیشتری از دولت و ارتش افغانستان داشتند و غیره. این ادعاها وقیحانه است. خود این دولتها دوباره طالبان را به جلو راندند و سر کار آوردند و حالا که دنیا با حیرت با این فاجعه روبرو شده و نیروهای سکولار و مترقی و مردم متمدن دنیا شوکه شده اند، از "اشتباهات" و ندانم کارهایشان دم میزنند. اشتباهی اگر هست دست کم گرفتن قدرت مردم و نیروهای مترقی و سکولار در افغانستان و در سطح جهان است. اکنون نه تنها طالبان و دولتها و نیروهای اسلامی در منطقه مثل جمهوری اسلامی و دولت عربستان و پاکستان، بلکه دولت‌های غربی هم در برابر مردم جویگو هستند. سیاستهای ناتو و مشخصا دولت آمریکا و هم پیمانانش مسئول شرایطی است که در افغانستان بوجود آمده است.

**خلیل کیوان:** میگویند طالبان تغییر کرده است. برای مثال گفته میشود از مدیای اجتماعی استفاده میکنند، در چند روزی که در کابل مستقر شده است امنیت برقرار است، از ترور و بمب گذاری خبری نیست، گزارشها حکایت از باز بودن مدارس دخترانه و دانشگاه ها دارد، در دوره قبل زنان اجازه کار نداشتند اما امروز طالبان میگویند زنان میتوانند در مشاغل بکار اشتغال داشته باشند، زنان خبرنگار اجازه یافتند با طالبان صحبت کنند و غیره. آیا اینها نشانه هایی از تغییر طالبان است؟ آیا اینها زمینه چینی برای پذیرش آنها در نزد دولت‌ها و قدرتهای بین المللی است؟

**حمید تقوائی:** اولاً دلیل توقف بمبگذاریها و کشتار مردم روشن است. خود طالبان عامل این جنایتها بود و اکنون که بقدرت رسیده طبیعی است که این کشتار متوقف بشود. اما فاجعه همچنان سر جای خود باقی است. از این پس کشتار خیابانی طالبان در اپوزیسیون جای خود را به کشتار قانونی طالبان در دولت خواهد داد.

و اصفهان و قم، نیز مهاجرین افغانی و مردم آزادیخواه ایران علیه طالبان تظاهرات داشتند با شعار امارت اسلامی نمیخواهیم که همسو و همجهت است با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم مردم در خود ایران. اینها در واقع یک شعار است علیه دو نوع طالبان در ایران و در افغانستان. همچنین در بسیاری از کشورهای غربی فعالین و مردم آزادیخواه به همراه افغانستانیهای مهاجر صدای اعتراض خود را بلند کرده اند و این حرکتها در حال گسترش است.

ایستاده است. به همین خاطر مردم به چنین نیروی هر اندازه هم که بخواهد ظاهر امروزی بخود بگیرد رضایت نخواهند داد. ادعاهای امروز سران طالبان را باید بحساب تبلیغات توخالی یک نیروی تازه به قدرت رسیده گذاشت. بعد از اینکه تثبیت شد تلاش خواهد کرد دوباره با شلاق و شمشیر اسلام جامعه را مرعوب و مقهور کند. از همین امروز باید در برابر طالبان ایستاد و تبلیغاتی که در مورد تغییر و معتدل شدن این نیروی جنایتکار میشود را نپذیرفت.

نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی در عراق شروع شده است. حتی در لبنان ما شاهد حرکات اعتراضی مشابهی هستیم. در ایران هم جنبش توده ای عظیمی برای سرنگونی جمهوری اسلامی در جریان است و جمهوری اسلامی که یک ستون نیروهای اسلامی در منطقه است خود به وضعیت اسفناک و بحرانی ای دچار شده است. بر متن چنین شرایطی مردم افغانستان و مردم دنیا که یک بار هیولای طالبان را تجربه کرده اند، دیگر در برابر آن بی تفاوت نخواهند بود و دست به مقاومت و تعرض خواهند زد.

**خلیل کیوان:** طی دو دهه گذشته جامعه افغانستان تغییرات بسیاری کرده است. علیرغم وجود یک دولت پوشالی قومی مذهبی فرجه هایی برای کار و فعالیت اجتماعی فراهم بوده است. طیف وسیعی از زنان و مردان در حوزه های مختلف به فعالیت اجتماعی و سیاسی روی آورده اند. آیا مقاومتی از جانب نیروهای اجتماعی در مقابل طالبان شکل خواهد گرفت؟

مجموعه این فاکتورها طالبان را ناگزیر کرده است که زبان ملایم تری به کار ببرد. ولی حتی اگر فرض کنیم عملاً هم متعادل تر رفتار کند طالبان چنان نیروی فوق ارتجاعی و هار و ضد انسانی ای هست که حتی با چند درجه تخفیف هم هنوز فرسنگها از آنچه مردم افغانستان میخواهند عقب تر است. دولت ساقط شده اشرف غنی خود یک نوع طالبان ملایم بود و هیچ پایگاه اجتماعی و جایگاهی در میان مردم نداشت.

**حمید تقوائی:** از همین امروز ما نمونه هایی از شروع حرکات اعتراضی را شاهد هستیم. کلیپها و گزارشاتی از اعتراضات مردم در کابل، جلال آباد، و اسدآباد منتشر شده است. در شهرهای ایران، در تهران

طالبان یک نیروی ضد انسانی، ضد زن، ضد تمدن و قرون وسطائی است که در برابر آزاداندیشی و مدرنیسم و علم و فرهنگ پیشروی عصر حاضر

طالبان میگوید قوانین و سیاستهایش در چارچوب قوانین شریعه خواهد بود. این یعنی ادامه جنایت و کشتار مردم. یعنی بازگشت به خانه اول. اگر امروز طالبان لحش تغییر کرده است بخاطر اینست که دنیا تغییر کرده است. بخاطر اینست که جامعه افغانستان توحش طالبان را یک بار تجربه کرده است و دیگر آنرا نمی پذیرد. در دور اولی که طالبان را معماری کردند و روی کار آوردند دنیا مقهور بیکه تازیهای دولت آمریکا و کمپ غرب در دنیای پسا شوروی بود و قدرتیگری مجاهدین افغانستان آن زمان یکی از پیروزیهای کمپ غرب در برابر بلوک شوروی محسوب میشد. کلا در منطقه هم بعد از جنگ خلیج دولت آمریکا و کمپ غرب بیکه تاز میدان بودند. بعد از یازده سپتامبر و حمله نیروهای اسلامی به برجهای دوقلو دولت آمریکا برای اینکه قدرت خودش را به رخ دنیا بکشد به افغانستان حمله کرد و طالبان را ساقط کرد ولی خط و استراتژی هیات حاکمه آمریکا تغییری نکرد و همچنان ادامه یافت و بالاخره به بازگشت مجدد طالبان منجر شد.

ولی امروز شرایط بسیار متفاوت است. امروز در جامعه عراق یک جنبش گسترده سکولاریستی و خواستار جامعه مدنی در برابر حکومت آن کشور و علیه

ادامه از صفحه ۶

## در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری فضای سیاسی خاورمیانه و باصطلاح پارادایم سیاسی در ایران و عراق و لبنان و در بسیاری از کشورها ضد نیروها و دولتهای اسلامی است و این شرایط بر تحولات سیاسی افغانستان هم تاثیر تعیین کننده ای خواهد داشت.

گر چه همانطور که اشاره کردم خود این دولتها از ابتدا میدانستند چه میکنند و آگاهانه این "تاکامی" را معماری کرده اند اما امروز ناچارند در برابر مردم به خشم آمده دنیا عمل آگاهانه خود را اشتباه بنامند و اظهار تاسف کنند. میگویند در ترک عجلولانه و برنامه ریزی نشده افغانستان اشتباه کرده اند. باید گفت "اشتباه" شما از روزی شروع شد که ابتدا مجاهدین افغانستان را سازمان دادید و در دوره بعد مراودات و مذاکرات با طالبانی که از لحاظ سیاسی مرده بود را شروع کردید. حرکات اعتراضی مردم بویژه در غرب دامن این دولتها را هم خواهد گرفت. باید این اعتراف به اشتباه را به گردن این دولتها آویخت و آنان را با حرکات اعتراضی و گسترده تحت فشار قرار داد که حکومت طالبان را برسمیت نشناسند. در مبارزه برای به عقب راندن طالبان افکار عمومی و حرکات اعتراضی در کشورهای غربی و در خود افغانستان و کلا جنبشهای و کارزارهای جهانی در فاع از زنان افغانستان و در دفاع از سکولاریسم و مدنیت و مدرنیسم نقش کاملا تعیین کننده ای دارند.

این حرکت خوشبختانه دارد شکل میگیرد. به نظر من دولتهای اسلامی که عامل مستقیم این فاجعه هستند، جمهوری اسلامی و دولتهای پاکستان و عربستان خود مستقیما در این جنایت شریک هستند و دولتهای غربی هم خود معمار این وضعیت هستند. ولی جهان متدمن تسلیم این وضعیت نخواهد شد. همانطور که گفتم شرایط امروز کاملا از شرایط بیست سال قبل متفاوت است. بار اولی که طالبان روی کار آمد شاهد هیچیک از این حرکات اعتراضی نبودیم. به نظر من این بار مردم متدمن دنیا اجازه نمیدهند که طالبان خودش را تثبیت کند.

**خلیل کیوان:** چشم انداز جنگ داخلی و سوریه ای شدن در افغانستان را چگونه میبینید؟ در افغانستان گروه و نیروهای نظامی مختلفی حضور داشته اند. برخی سران آنها به خارج

گریخته اند. خبرها حاکی از این است که در پنجشیر جبهه ای برای مقاومت در مقابل طالبان در حال شکلگیری است. طالبان هم خود ائتلافی از نیروهای مختلف است. کشمکش قدرت در میان آنها منتفی نیست. نقرات ارتش افغانستان که گفته میشود بالغ بر ۳۰۰ هزار نفر بود هم ذوب نشده اند. همه آنها هم در خدمت طالبان در نخواهند آمد و ممکن است در شرایطی این نیروی آموزش دیده در فرم های تازه و ائتلافهای تازه ای بکار گرفته شود. جمهوری اسلامی هم که در هموار کردن راه بازگشت طالبان نقش داشت در شرایط دیگری میتواند ساز دیگری را کوک کند. هزاران نفر از نیروهای افغانی تحت عنوان فاطمیون در سوریه جنگ کرده اند و آموزش دیده اند. آیا جمهوری اسلامی نمیتواند آنها را در افغانستان بکار بگیرد؟ آیا همه اینها تحت شرایطی نمیتوانند باروت کشمکش های داخلی و شروع جنگی قومی مذهبی دیگری باشند؟

**حمید تقوائی:** واقعیتی که گفتید قبل از هر چیز این را نشان میدهد که جبهه اسلامیون و جبهه ارتجاع چطور به هم ریخته است. بالاخره هر فرقه ای بدنبال منافع خودش و دست بالا پیدا کردن در مقابل نیروهای رقیب است، جمهوری اسلامی در یکسو است و عربستان سعودی در سوی دیگر و پاکستان و ترکیه هم همین طور. در خود طالبان فرقه های مختلفی هستند و غیره. ولی به نظر من اینها تعیین کننده روند اوضاع و تحولات افغانستان نخواهند بود.

ببینید، میگویند تاریخ تکرار میشود ولی بار دوم در شکل کمندی دور اول. این نیروها یکبار تراژدی هولناکی در افغانستان

وجود آوردند، با سازمان دادن به مجاهدین و بعد طالبان و حمله نظامی به افغانستان و ایجاد دولتهای پوشالی. این روند به انتهای خود رسیده است و این تراژدی دیگر قابل تکرار نیست. بازگشت طالبان نمیتواند آغاز دور دیگری از همان تراژدی قبلی باشد. اظهار ندامت و تاسف دولتها تا ادعای عوض شدن و معتدل تر شدن طالبان جلوه هائی از این کمندی تازه است. وضعیت سیاسی جهان و خاومیانه، موقعیت دولت آمریکا و نیروهای ناتو، موقعیت دولتها و نیروهای اسلامی همانی نیست که بیست سال قبل بود. بسیار رسوا تر و ضعیف تر و بحرانزده تر هستند. از سوی دیگر مردم افغانستان و مردم دنیا در موقعیت تعرضی تر و قوی تری قرار گرفته اند. در چنین شرایطی همانطور که اشاره کردم مردم افغانستان و مردم متدمن جهان اجازه تکرار تراژدی دیگری را نمیدهند. اعتراضات توده ای و دفاع از مردم افغانستان بخصوص زنان رو به گسترش است. بویژه باید توجه داشت که جنبش سکولاریستی و ضد مذهبی و بویژه جنبش رهائی زن در سراسر دنیا پشت جبهه محکمی در مبارزه علیه هیولای طالبان بشمار میرود.

**خلیل کیوان:** افغانستانی های بسیاری در ایران زندگی میکنند. دیدیم که علیه طالبان و با شعار امارت اسلامی نمیخوایم اعتراضاتشان را شروع کرده اند. همچنین بسیاری از افغانستانی ها هم در کشورهای دیگر در سراسر جهان حضور دارند و در شهرهای مختلف در اروپا و آمریکا دست به اعتراض زده اند. اینها نیروی قدرتمندی در حمایت از مردم افغانستان هستند. در دوره قبل چنین صداهائی نبود. ایران هم آبستن یک انقلاب است و اعتراضات قدرتمندی علیه دوقلوی طالبان در تهران در جریان است. تاثیر این نیروها و همچنین تاثیر تحولات سیاسی ایران در تقویت مبارزه مردم افغانستان علیه طالبان را چگونه ارزیابی میکنید؟

**حمید تقوائی:** همانطور که اشاره کردم یک فاکتور اساسی در شکل دهی به روند تحولات در افغانستان و در کل منطقه نیروی اعتراضی مردم است. امروز جنبش سکولاریستی و جنبش ضد نیروهای قومی اسلامی در عراق قوی است، در لبنان قوی است، در ایران که بیش از هر جای دیگر جنبش توده ای ضد جمهوری اسلامی و ضد دخالت مذهب در قوانین و دولت و زندگی روزمره مردم گسترش یافته است. در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری فضای سیاسی خاورمیانه و باصطلاح پارادایم سیاسی در ایران و عراق و لبنان و در بسیاری از کشورها ضد نیروها و دولتهای اسلامی است و این شرایط بر تحولات سیاسی

افغانستان هم تاثیر تعیین کننده ای خواهد داشت.

بویژه شرایط سیاسی ایران یک فاکتور مهم در شکل دادن به روند اوضاع خاورمیانه و سرنوشت دیگر دولتهای و نیروهای اسلامی است. جمهوری اسلامی ستون فقرات نیروهای تروریستی و جنایتکار اسلامی در کل منطقه است؛ از نظر سیاسی، از نظر ایدئولوژیک و حتی از نظر نظامی پشتوانه این نیروهاست. گرچه نیروهای اسلامی شیعه و سنی و فرقه های دیگر رقابتها و تضامات خودشان را دارند ولی در یک سطح پایه ای تر جمهوری اسلامی بعنوان حکومتی که با پرچم اسلام بر یک جامعه ۸۰ میلیونی حکومت میکند نقطه اتکا و رجوع همه نیروهای اسلامی محسوب میشود. ازینرو هر ضربه به جمهوری اسلامی، هر درجه جمهوری اسلامی ضعیف تر بشود، هر درجه تحت فشار اعتراضات مردم ایران بیشتر عقب بنشینند کل نیروها و جنبش مافوق ارتجاعی اسلامی ضربه کاری ای خواهد خورد. سقوط جمهوری اسلامی تیر خلاصی به کل جنبش اسلام سیاسی خواهد بود و مردم ایران عزم جزم کرده اند که چنین کنند. این وظیفه نیروهائی مثل حزب ما است که نه تنها در حمایت و در همبستگی با مردم افغانستان بلکه علیه کل نیروهای اسلامی و بخصوص برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی تلاشهایمان را چندین برابر کنیم، متحدان و همبسته بیدان بیائیم و نیروی مردم آزادیخواه دنیا را با خود همراه کنیم. این نیرو هست که آینده را در ایران و در افغانستان رقم خواهد زد.

## گانگستریسم اسلامی و سرمنشا آن



سیاوش مدرسی

مواد مخدر، زیر سلطه سرنیزه اوباش و دارودسته‌های مسلح و تبهکار اسلامی که بنا به سنت پیغمبرشان سر میبرند و دختر بچه‌ها را میدزدیدند و بالذت در بازار کنیزکان بفروش می‌رسانند.

دارودسته‌هایی که برای اداره جامعه سازمان نیافته‌اند، سازمان نیافته‌اند که بسازند و حتی یک جامعه مبتنی بر استثمار کار سازمان بدهند! چپاولگراند، دزدند، سر میبرند، زن ستیز و اسید پاشند، کودک را احشام شان میدانند و مخالفانشان را مهدورالدم. نامتعارف اند همانطور که رژیم پیش‌کسوتشان در ایران بعد از ۴۳ سال کشتن و بریدن و حاکمیت حتی درکی از تولید سود ندارد و با قوانین عهد پیامبرشان زندگی انگلی شان را به جامعه تحمیل کرده‌اند. اینها بجا ماندگان و عصاره تاریخی جهل و جنایت‌اند. این حرکت سیاه و ضد بشری سیاسی گاهی در تقابل با انقلاب بهمن و خطر نفوذ رقبای شمالی به پیش صحنه رانده میشوند، گاهی متحد و پرچمدار دموکراسی در جنگ با اشغالگران روسی در افغانستان میشود و گاهی تروریست‌های بیرحمی در نیویورک و پاریس و لندن علیه خودشان و امروز باز هم متحد و همکار و هم‌درد.

قهرمانان این کشمکش خونبار امثال خمینی، کارتر، برژنف، ریگان، ملا عمر، حماس و نتانیاهو، پوتین، ملا برادر

و سران چین و فرانسه و انگلستان و هم آخور هایشان بودند و هستند!

امروز دیگر حکومت تروریست و تروریست پرور اسلامی در تهران داعش را تروریست معرفی میکند، دولت آمریکا رژیم اسلامی ایران را تا اطلاع ثانوی و مصالحه، تروریست و همزمان طالبان را متحول! و غیر تروریست و عربستان را متحد اعلام میکند. همین دیروز سفیر روسیه در کابل بعد از ملاقات با یکی از اوباش طالبان آنها را بوجود آورنده نظم و آرامش توصیف کرد و سخنگوی دولت چین مناسبات با طالبان را خوب و معقول و در حال گسترش اعلام داشت. رژیم سفاک اسلامی در تهران هم مهر تأیید بر طالبان "تحول یافته" و از قماش خودشان کوئید و اعلام کرد فراریان و پناهندگان از دست طالبان را نمی‌پذیرد.

تحلیل‌گران لوموند تحویل مجدد افغانستان به طالبان را شکست دولت آمریکا و استراتژی ضد تروریستی آنها معرفی میکنند. این را پایان یک دوره‌ای اعلام میکنند که از ۱۱ سپتامبر آغاز شده بود.

میگویند آمریکا علیرغم اینکه در بیشتر از ۸۰ کشور جهان پایگاه و بیشتر از ۲۰۰ هزار پرسنل نظامی مستقر در خارج از مرزهایش و با هدف ممانعت از گسترش نفوذ کشورهای رقیب مثل چین و روسیه دارد در

جنگ با طالبان و تروریسم ناکام مانده است. رقابت و جنگی که تدارکات مالی و نظامی دولت‌های چین و روسیه از آن ابدأ کمتر نیست.

اما اگر هدف از اشغال عراق و حمله به افغانستان را برپایی نظم به اصطلاح نوین جهانی بدانیم، باید گفت تحویل افغانستان به طالبان ابدأ پایان ماجرا نیست، اما شکست عوام‌فریبی و افکار سازی و تبلیغات میلیاردری هست!

"جک بلوم" مشاور سابق کمیسیون سیاست خارجی در سنا بعد از شکست و خروج ارتش شوروی از افغانستان گفته بود که: "پس از هر جنگ مخفی به هر حال یک مشت آشغال بجامانده هم وجود خواهد داشت" و این آشغال‌های بجا مانده نهضت سیاه و ارتجاعی اسلامی بود که از تهران و خاورمیانه تا شمال افریقا و پاریس، نیویورک و لندن و غیره را بخاک و خون کشید و امروز قرار است در رقابت محور چین-روسیه آمریکا-اروپا به خدمت گرفته شوند.

موضوع این است که دولت آمریکا به عنوان پرچمدار جهان غرب نتوانسته خود را بعنوان رهبر بلامنازع حتی به اروپایی‌ها تحمیل کند! افکار عمومی در آمریکا و اروپا و سراسر جهان علیه دولت آمریکا و در دفاع از مردم افغانستان و علیه دولت طالبان و رژیم اسلامی ایران به حرکت درآمده است. در مقابل

دولت سرمایه‌داری آمریکا با تمام جناح‌هایش تلاش میکند در سازش با حکومت‌هایی نظیر نکبت اسلامی در ایران و سرکار آوردن طالبان و تقویت یک دوجین دولت ارتجاعی در منطقه سنگر بندیش را در مقابل محور چین روسیه در خاور دور تقویت کند. امروز به عنوان تقویت طالبان زرادخانه نظامیشان در افغانستان را به موتورسوارهای طالبان تحویل دادند. بهمین دلیل است که دولت چین دیروز تایوان پایگاه نظامی آمریکا را تهدید به اشغال و الحاق میکند و تقلا می‌کند و دولت کشیدن و یا خنثی کردن سیدعلی خامنه‌ای و ملا برادر در جبهه خود است!

اما طالبان، ملا برادر و خامنه‌ای و امثال آنها مخلوقات نظامی‌های حاکم بر جهان هستند! بهمین دلیل تمدن، شرافت و بشریت علیه این آخرین توطئه دولتهای فخریه علیه افغانستان است! مبارزه مردم افغانستان و ایران و شمال آفریقا مبارزه‌ای بدون مرز است به وسعت جهانی که دول سرمایه‌داری در سطح جهان به بشریت امروزی تحمیل کرده‌اند.

"یک عمّامه و یک تفنگ، تمام چیزی است که برای شروع این جهاد کثیف علیه انسانیت کفایت میکند. این گانگستریسم اسلامی است و سرمنشا آن رژیم حاکم در ایران است. تکلیف این جریان نیز در ایران یکسره خواهد شد." (منصور حکمت: دنیا پس از ۱۱ سپتامبر)

بایدن میگوید: "آمریکا در افغانستان به هدفش رسیده ... ماموریت ما هرگز «ملت سازی» نبود" اما جمله‌اش را کامل نمیکند و نمی‌گویند هر جایی که توانستند متحد با شرکایشان در جبهه "خیر!" و در رقابت با رقبیان در "جبهه شر!" مشترکاً انسانیت، تمدن، فرهنگ و حق و حقوق را به خاک و خون کشیدند، شیرازه مدنی جوامع را از هم دریدند.

"ملت سازی!" پیشکششان جوامع را به موزائیک دارودسته‌های قومی مذهبی در حال دریدن یکدیگر تبدیل کردند. میلیارد‌ها دلار خرج کردند تا دارودسته‌های مسلح و مسلمان را بجان بشریت بیندازند.

تقریباً هیچ کس و هیچ چیز در خاورمیانه و شمال آفریقا در این جنگ و رقابت کثیف دو بلوک "خیر و شر!" در امان نماند. از افغانستان چیزی بجای نماند بجز مخروبه‌هایی غرق در چرک و خون و انسانهای بی‌دست‌وپا و غرقه در زخم و

ماهواره یاه است

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

www.newchannel.tv

nctv.tamas@gmail.com

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL DJADJ  
کانال جدید

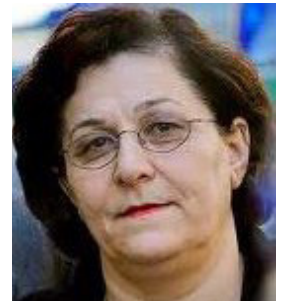
فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:



## باید کاری کرد!



مینا احدی

اتفاقات چند روز اخیر در افغانستان نفس را در سینه ها حبس کرده است. در مقابل چشمان بشریت مترقی و انسان دوست، همه شاهد هستند که چگونه دست به دست دادن علنی دولتهای غربی از آمریکا تا آلمان و نروژ با جنبش کثیف و انسان کش اسلامی و با طالبان، تراژدی ای را دامن میزند که تازه این آغاز آن است. فیلم فرار هزاران نفر از افغانستان و صحنه هایی که امروز در فرودگاه کابل شاهد بودیم فقط و فقط گوشه ای از مصیبتی را نشان میدهد که از ترامپ تا بایدن، و خامنه ای تا پوتین و اردوغان و مقامات حکومت وقیح چین، و همچنین مقامات دولت فاسد و دزد و اسلامی افغانستان، همه و همه در آن شریک هستند. دنیا می بیند که بر میلیاردها نفر ساکنین این کره خاکی، چه کسانی حکومت میکنند و

چگونه دولتهای فخریه غرب با اسلامی ها دست دوستی میدهند و برایشان مهم نیست این جانوران اسلامی چه بر سر مردم افغانستان می آورند، مهم اینست که در آن جغرافیا حاکم باشند و زن سنگسار کنند و همه مردم را به زندگی جهنمی وادار کنند. کافیس با نیروهای غربی کاری نداشته باشند و تروریسم آنها در چارچوب آن کشور محدود بماند مثل جمهوری نکبت اسلامی. اینها دست دوستی به رئیس می دهند اگر چه میدانند طرف دستش به خون هزاران نفر " ایرانی " آلوده است و این هم مهم نیست، چرا که این طالبان در ایران، در چارچوب یک کشور خون میریزد و انسان کشی میکند!!

از روزی که در مقابل کنفرانس

فراخوان من به همه شما مردم آزاده ایرانی و افغانستانی و همگان اینست فوراً دست بکار شویم و در دنیا با تماس گرفتن با نیروهای مترقی و مدافع حقوق انسانی، خیابانها را غرق کرده و فریاد بزنیم مردم افغانستان را تنها نمیگذاریم.

بویژه زنان قربانیان این حکومت خواهند بود و باید شبکه ای بین المللی درست کنیم در دفاع از زنان افغانستانی و با شعار زنان علیه طالبان در سراسر جهان، بپا خیزیم!

من شخصاً از امروز دست بکار خواهم شد و از همگان دعوت میکنم همراهی کنند!

۱۶ اوت ۲۰۲۱

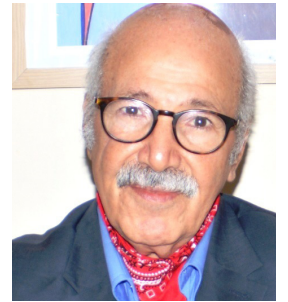
و امروز چنین شد که شاهد هستیم. لاید بزودی شاهد دیالوگ انتقادی اینها با طالبان و کنار آمدن آنها با مرتجعترین و قاتل ترین جریان خواهیم بود و درست به همین دلیل باید بپا خاست و کاری کرد.

بنظر من باید سراغ بشریت مترقی برویم. باید از همین امروز در سراسر جهان با برگزاری میتینگ و تظاهرات همانند افغانستانی های عزیزی که در تهران تظاهرات کردند، با شعار مرگ بر طالبان به خیابان رفت و باید همه ما به دولتها و به طالبان و همه تروریستهای اسلامی نشان دهیم که بشر مدرن و مترقی در دنیای بهم پیوسته امروز نمی تواند ساکت باشد و به پیشانی شما یک مهر باطل میزند.

با حضور صدها نفر ایرانی و افغانی میتینگ داشتیم. و بیست سال است که اینها می چایند و می دزدند و قوانین اسلامی را پیاده میکنند و در نهایت بعد از بیست سال با به رسمیت شناسی طالبان از سوی حکومتهای غربی و فراخواندن آنها به پای میز مذاکره و در نهایت جا خالی دادن، افغانستان را دودستی تقدیم طالبان کردند. و وزیر کشور آلمان با پررویی به دوربین خیره شد و گفت ما در افغانستان شکست خوردیم بدون اینکه بگوئید چون در آن سال حکومت سبز و سوسیال دمکرات و در بیست سال کلا دولت آلمان، جامعه افغانستان را گامها به عقب برد، چرا که مردم را به اقوام تقسیم کردند و حکومت را دست ملاها و مرتجعین دادند

بن در سال ۲۰۰۱ فریاد زدیم که جامعه موزاییکی درست نکنید و حکومت در افغانستان را به دست مشت مرتجع اسلامی نسپارید و بگذارید مردم مترقی آن کشور خود سرنوشت خود را تعیین کنند و مستقل از وابستگی قومی و مذهبی همچون شهروندان آن جامعه، حکومتی سکولار و مدرن را سازمان دهند، یوشکا فیشر بی شرم و مقامات رنگارنگ دولت آلمان و آمریکا با این مرتجعین نشستند و به آنها گفتند قدرت را بین مردان مرتجع وابسته به اقوام مختلف تقسیم میکنیم و با رسمیت دادن به این هویت قومی و مذهبی، سرنوشت میلیونها نفر را در دستهای این مرتجعین گذاشتند. کاملاً یادم هست ما دو روز در مقابل این کنفرانس بن،

## زنده باد افغانستان جدید!



کازم نیکخواه

جنبش واحد هستند. با نیروی مردمی که با هم احساس یکی بودن میکنند حرکت میکنند.

طالبان دارد کابل را هم فتح میکند. بزودی تشکیل امارت اسلامی افغانستان را زیر چشم دولتهای ارتجاعی آمریکا، ترکیه، عربستان، پاکستان، جمهوری اسلامی، و اتحادیه اروپا و بقیه دست پرورده های آنها اعلام خواهد کرد. بدون همراهی این دولتها طالبان اصلا امکان بازگشت نداشتند. این را همه ما مردم میدانیم. یک بار دیگر عین ماجرای سر کار کشیدن خمینی در ایران و عکس او در کره ماه و تریبون بی بی سی و دیگر رسانه های فارسی زبان غربی دارد زنده میشود. اما با یک تفاوت جدی. طالبان قبلا یک بار دیگر در حکومت بوده است. نحوست وجودش را مردم با خون و زجر و درد لمس کرده اند. به همین دلیل آن نیروی اجتماعی متوهمی را که در ایران با خمینی همراه شد با خود ندارد. یک نیروی تماما بامسه ای و دست ساز و خون آشام است.

تا همینجا حرکت این دیو منحوس و خبیث اسلامی با قتلها و زجرها و تجاوز به کودکان تحت نام نکاح اسلامی و امثال اینها همراه بوده است. مردم دنیا با نگرانی و استیصال دارند پیشروی این جرثومه عقب ماندگی و جنایت و فساد را نظاره میکنند و به حال مردم افغانستان افسوس میخورند. در شرایط فعلی از دست ما مردم شاید کار چندانی ساخته نیست. اما بزودی نشان خواهیم داد که ما مردم نظاره گران خاموش نیستیم و نخواهیم بود. افغانستان جدید سر بلند خواهد کرد. میدانم میدانم.. دنیا را در کنار خود خواهد داشت. میدانم. زنده باد افغانستان جدید. افغانستان مدرن. افغانستان زنان شاد و آزاد. افغانستان قرن بیست و یکم. افغانستان آزاد!

۱۵ اوت ۲۰۲۱

“امارت اسلامی نمیخواهیم نمیخواهیم” این صدای افغانستان جدید است که همانگونه که انتظار میرفت یا حداقل شخصا انتظار داشتم تازه متولد شده است. امروز صدها نفر در برابر دفتر سازمان ملل در تهران جمع شدند که بیشتر آنها زنان بودند و فریاد “امارت اسلامی نمیخواهیم نمیخواهیم” را با خشم سر دادند. بزودی صدای این جنبش را از درون افغانستان و از گوشه و کنار دنیا خواهیم شنید. افغانستان جدید نیروی عظیمی را در افغانستان و سراسر جهان با خود دارد. نیرویی که خیلی زود سر بلند خواهد کرد و به دوره طالبان و به دوره حکومت قومی و قبیله ای دست ساز آمریکا و همه این نوع کثافات بازمانده از دوره های توحش بطور قطع پایان خواهد داد.

وقتی که بازگشت طالبان گریز ناپذیر بنظر میرسید من به دوستان گفتم ما متأسفانه الان کاری نمیتوانیم بکنیم. مردم افغانستان هم کار زیادی نمیتوانند بکنند. این بسیار غم انگیز و دردناک است. اما این شروع یک پایان است. پایان اسلام سیاسی و حکومتهای سراپا فساد موزائیکی و قومی - قبیله ای در افغانستان. مردم افغانستان تا کنون طی سالهای سال میان این دو مچاله میشدند و راهی خلاصی ای نمی دیدند. از این پس سر راست با یکی طرف خواهند بود و تکلیف خود را خوب میداندند. امارت اسلامی نمیخواهیم مستقیما با “حکومت اسلامی نمیخواهیم نمیخواهیم” که سالهاست در ایران فریاد زده میشود و جنبش سرنگونی عظیمی را نمایندگی میکند، پیوند دارد. اصلا این دو یک شعار واحد هستند. یک

## جهان باید به حمایت از مردم افغانستان برخیزد

بار دیگر مردم افغانستان، زنان و کودکان، جوانان و کل مردم زجر کشیده گرفتار یکی از وحشی ترین حکومت هایی شده اند که بشر معاصر بخود دیده است. بیست سال دول غربی و در راس آنها دولت آمریکا در این کشور زمام امور را در دست داشتند اما حکومتی عقب مانده، اسلامی و قومی سازمان دادند و همزمان طالبان را پر وبال دادند و سرانجام با همراهی دول ارتجاعی منطقه دوباره آنرا به جان مردم انداختند.

با قدرت گیری طالبان میلیون ها نفر از ترس فراری شدند، دختران از دانشگاه ها بیرون رانده شدند، زنان و دختر بچه ها را وادار کرده اند به ازدواج اجباری با افراد طالبان در آیند، فعالین سیاسی و فعالین رسانه ای دست به فرار زده اند، آرایشگاه های زنانه و تفریح گاهها بسته شدند، حتی تصاویر زنان بر روی دیوارها را محو کردند و بلافاصله شروع به نابود کردن هر آنچه نشانی از مدنیت و یا رنگی زنانه داشت کردند. فضایی از ترس و وحشت بر این کشور حاکم شده است. دستاوردهای اندک زنان و مردم که به بهای زیادی بدست آمده بود، جای خود را به توحش تمام عیار طالبان و حاکمیت اسلام سیاسی داده و این هنوز شروع فاجعه است.

اما آنچه افغانستان امروز را متمایز میکند وجود طیف وسیعی از زنان و مردم آزاده است که زیر بار امارت اسلامی طالبان و قوانین عصر حجر آن نمیروند. شعار امارت اسلامی نمیخواهیم که در تظاهرات های گسترده مهاجرین افغانستانی در ایران و آلمان و آمریکا و سوئیس و سایر کشورها شروع شده است عمق نفرت مردم را از حکومت اسلامی و قوانین اسلامی نشان میدهد. مردم افغانستان حکومت مذهبی و قومی نمیخواهند، آزادی و رفاه و امنیت میخواهند، مدنیت میخواهند، میخواهند مثل انسان زندگی کنند و از چنگ و حوش اسلامی و کلیه نیروهای مرتجع که در چند دهه گذشته اینهمه فاجعه به سر مردم آورده اند رهایی یابند. باید با تمام قوا به یاری آنها برخاست. باید به تجمعات اعتراضی که در کشورهای مختلف شروع شده است پیوست و تظاهرات های بزرگتر و بیشتری در سراسر جهان سازمان داد. دول غربی و نهادهای بین المللی را باید زیر فشار گذاشت که از به رسمیت شناسی طالبان خودداری کنند. مردم ایران که در حال شکل دادن به انقلاب علیه سر مار اسلام سیاسی هستند بویژه میتوانند نقش مهمی در داخل و خارج ایران در تقویت جنبش نوینی که توسط مردم افغانستان شروع شده است ایفا کنند.

حزب کمونیست کارگری با تمام وجود از اعتراضات بحق زنان و مردم افغانستان حمایت میکند و مردم آزاده ایران و جهان را، فعالین حقوق زن، مدافعین سکولاریسم و مخالفین جنبش اسلام سیاسی، سازمان های کارگری و کلیه سازمانها و شخصیت های آزاده و انساندوست را به حمایت فعال از مردم افغانستان در مقابله با حکومت وحشی اسلامی طالبان فرامیخواند.

**حزب کمونیست کارگری ایران**  
۲۶ مرداد ۱۴۰۰، ۱۷ اوت ۲۰۲۱

ما میتوانیم! ما میتوانیم! ما میتوانیم! ما زنان ایران که با یک انقلاب زنانه بر بستر جنبش سرنگونی، حکومت جمهوری اسلامی را به زانو درآورده ایم و تا پله آخر سرنگونی رانده ایم، بر این باوریم که میتوانیم این حکومت را به زیر بکشیم و به شما هم این پیام را میدهیم که برای سرنگونی طالبان بجنگید. تنها راه این است که آتش خشم و نفرت و کینه و وحشت از طالبان را به نیروی مبارزه متشکل و سیاسی تبدیل کنیم.

شعار مرگ بر طالبان چه کابل چه تهران را، بر علیه جمهوری اسلامی و علیه طالبان در سراسر ایران و در سراسر افغانستان فریاد بزنید!

به انقلاب زنانه پیوندید تا با قدرتی عظیم در افغانستان و ایران، چه کابل چه تهران! حکومت‌های اسلامی را سرنگون و جنبش اسلام سیاسی را از ریشه خشک کنیم!

۲۶ مرداد ۱۴۰۰ ۱۷-- اوت ۲۰۲۱

اسلامی، قومی و نژادی را کنار بزنیم.

هم اکنون ما به نمایندگی از زنان پیشرو و مبارز و سرنگونی طلب ایران که خواهان قطع دست مذهب از زندگی مان هستیم، در همبستگی قوی با شما زنان و مردم افغانستان اعلام میکنیم برای به زیر کشیدن حکومت جمهوری اسلامی که سر ازدهای اسلام سیاسی در منطقه است با تمام قوا به مبارزه خود ادامه میدهیم، و همچنین دست در دست شما برای ساقط کردن طالبان از قدرت سیاسی در افغانستان از هیچ تلاشی دریغ نخواهیم کرد.

ما باید به نیروی همبستگی و اتحاد و قدرت عظیم اعتراض خود اتکا کنیم و نه به هیچ دولت و حکومتی. اما باید دولتها و حکومت‌های جهان که ادعای حقوق بشر دارند، همچنین سازمانها و نهادهای بین المللی مدافع حقوق انسانی را وادار به محکوم و بایکوت کردن طالبان و جمهوری اسلامی و هر دولت و جریان اسلامی کنیم.

## انترناسیونال

### نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.



ما مردم ایران و در راس آن زنان ایران، با شما زنان و همه مردم حق خواه افغانستان هم سرنوشتیم. چرا که بدنهای ما زنان و همه ابعاد زندگی ما در چنگال ایدئولوژی ضد زن اسلام و قوانین شریعه به گرو گرفته میشود. اینها مثنی جانی اند که بر سر ما حجاب کشیدند، به صورتان اسید پاشیدند، با اجبار به بردگی جنسی در ازدواج فرستادند، سنگسارمان کردند، اعدام مان کردند، ما را کشتند تا نباشیم، اما ما هستیم، ما هستیم و فریاد میزنیم مرگ بر طالبان چه کابل چه تهران، ما هستیم! ما زنان علیه طالبان هستیم، از افغانستان تا ایران.

ما باید به نیروی همبستگی و اتحاد و قدرت عظیم اعتراض خود اتکا کنیم و نه به هیچ دولت و حکومتی. اما باید دولتها و حکومت‌های جهان که ادعای حقوق بشر دارند، همچنین سازمانها و نهادهای بین المللی مدافع حقوق انسانی را وادار به محکوم و بایکوت کردن طالبان و جمهوری اسلامی و هر دولت و جریان اسلامی کنیم.

ما زنان، ما رنگین کمانی و آتئیستهای ایران و افغانستان، ما مردم خاورمیانه در هر کشوری که هستیم منجمله ایران و افغانستان، شایسته یک زندگی انسانی و در خور انسان قرن ۲۱ هستیم. برای دست یابی به این شایستگی با تشکل یابی، با تحزب و از راه مبارزه سیاسی بر مبنای یک پلتفرم انسان محور و سکولار باید بتوانیم، قدرت سیاسی را بدست بگیریم و نیروهای متوحش قرون وسطایی

بر حامیان طالبان از جمله جمهوری اسلامی در ایران. شمایی که فریاد زدید زنان وجود دارند و طالبان نمیتواند نیمی از جامعه را انکار و سرکوب و حذف کند.

اعتراض شما علیه طالبان یادآور اعتراض ما زنان ایران در هشت مارس ۱۳۵۷ علیه طالبان و داعش ایران است.

آری این نیروی اعتراض شماست که طالبان را وادار کرده که در همین چند روز نسبت به دوره قبل فرمانروای اش، عقب نشینی کرده و با صحبت از زنان تلاش کند برای خود مشروعیت بخرد.

اما طالبان کور خوانده است. راه نجات زنان و همه مردم افغانستان ممانعت و مذاکره و اعتبار دادن به گروه متوحش تروریست اسلامی طالبان و دیگر گروه‌های ارتجاعی نیست، تنها راه نجات مبارزه سیاسی برای نابودی طالبان این لکه ننگ بشریت است. تنها راه نجات در به زیر کشیدن توحش اسلامی از قدرت سیاسی است. چه در افغانستان چه در ایران!

دستیابی طالبان به قدرت سیاسی در افغانستان بسیار نگران کننده و هولناک است. چرا که همه می دانیم طالبان یک جریان مرتجع، زن ستیز، جنایتکار و تروریست است.

اما این نه اولین بار است که طالبان به قدرت سیاسی میرسد و نه اولین نماینده جنبش اسلام سیاسی است که با توحش و کشتار و زن ستیزی در خاورمیانه قدرت میگیرد، و نه اولین بار است که دولتهای غربی و از جمله آمریکا و دولتهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی مسبب چنین جنایاتی بر علیه مردم افغانستان و خاورمیانه هستند.

اما آنچه این بار متفاوت است، نیروی اعتراض شما زنان افغانستان هست که جهان را خطاب قرار دادید و در شهرهای ایران از تهران تا مشهد و قم و اصفهان و در کابل و دیگر شهرهای افغانستان فریاد زدید: امارت اسلامی نمیخوایم نمیخوایم. شمایی که فریاد زدید مرگ بر طالبان، فریاد زدید تا خون در رگ ماست طالب دشمن ماست، شعار سر دادید مرگ

## شما در تاریخ نمی‌میرید؛ بلکه نفس وجود و اعتراضات تاریخ ساز است!

سازمان جوانان کمونیست



اسلامی از قاتلین طالبان برای همه دنیا روشن شده است؛ جمهوری اسلامی اولین حکومت دنیاست که طالبان را "جنبشی اصیل" در منطقه عنوان کرده است.

از این روی ما مردم ایران ضمن حمایت قاطع از مردم افغانستان در جدال با نیروهای طالبان، باور داریم که سرنگونی جمهوری اسلامی بساط تروریستهای اسلامی در کل خاورمیانه را سریعتر از هر چیز دیگری جارو می‌کند. ما به مبارزه خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی ادامه می‌دهیم و در هر تنگنا و پیچ و خم مبارزه علیه ارتجاع اسلامی، در کنار مردم افغانستان هستیم.

باز میگردد، اکنون مدتهاست که مردم ایران به اشکال مختلفی هم سرنوشتی و همبستگی خود را با مردم تحت ستم افغانستان اعلام کرده اند. همین امروز این ویدئوی کوتاه، موج گسترده ای از اعتراض را در شبکه های اجتماعی ایرانی به راه انداخته که موید همین امر است. مردم افغانستان و ایران هر دو قربانیان اسلام سیاسی هستند؛ اولی گرفتار جانیان طالبان و دومی در ستیز مستمر با جمهوری اسلامی. روی دیگر این سکه همبستگی مردم ایران و افغانستان اما، همدستی اوباش طالبان و جمهوری اسلامی است. در همین چند ماه و خصوصا چند هفته گذشته، حمایت های مالی، نظامی و سیاسی جمهوری

پهنای تاریخ بدون اینکه کسی به مرگشان اهمیت دهد، پاسخ خود را باید در یک اعلام همبستگی جهانی مردم همه کشورها علیه طالبان و در حمایت از مردم افغانستان ببینند. آوار کردن جانوران ماقبل تاریخی طالبان بر سر مردم افغانستان که همانند همه شهروندان جهان، شایسته یک زندگی انسانی هستند، ساخته و پرداخته دولتهای درگیر غرب و منطقه است و از این منظر شدیداً محکوم است. این دولتها مسئول فاجعه انسانی جاری کنونی در افغانستان هستند و باید از هر طریق ممکن، فوراً به کمک مردم افغانستان بشتابند.

اما تا جایی که به مردم ایران

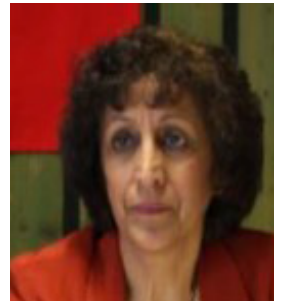
کشور را نسبت به جنایتکاران طالبان رو به مردم دنیا مخابره می‌کند و دست یاری به سوی تمامی جهان دراز می‌کند؛ و از سوی دیگر سندی است آشکار علیه جنایت سازمانیافته و نقشه مندی که دولتهای غربی، دولت افغانستان، چین، روسیه، جمهوری اسلامی و پاکستان و غیره به مردم افغانستان تحمیل کرده اند و متوحشین طالبان را طی چندین سال مذاکرات "صلح" به قدرت سیاسی بازگردانده اند. همین چهل و پنج تانیه برای محکومیت تمامی این دولتها که عملکردشان چیزی جز نابودی انسانیت در افغانستان نبود، کافی است.

اما آنچه دختر جوان از آن هراس دارد یعنی مردن در

«کسی به ما اهمیت نمیده و ما نوبی تاریخ می‌میریم»؛ این چند جمله کوتاهی که دختر جوان افغانستانی در صفحه توئیتری خود منتشر کرده است، با سرعتی خیره کننده در حال دیده شدن و بازنشر شدن در شبکه های اجتماعی است. او فقط چهل و پنج تانیه حرف میزند اما همین زمان کوتاه کافی است که قلب هر انسان شریفی که زبان فارسی را می‌داند را با خود همراه کند و موجی از خشم و اعتراض را در میان اذهان شهروندان علیه فاجعه جاری در افغانستان ایجاد کند.

این ویدئو کوتاه، از یکسو احساس درد و رنج و خشم و اعتراض میلیونها مردم افغانستان و به ویژه زنان این

## اعتصاب نفت، اعتصابی قدرتمند



شهلا دانشفر

نفت بوده اند و بارها با خواست تبدیل قراردادهایشان به دائمی در مقابل مجلس اسلامی تجمع کرده اند و اکنون با اعتصاب هزاران کارگر پروژه ای نفت و فضای گسترده اعتراضی در سطح سراسری در مراکز نفتی است که مقامات مسئول ناگزیر به عقب نشینی هایی از این دست میشوند.

ادامه اعتصاب تا رسیدن به خواستها، مینا قرار دادن پیشروی های تا کنونی برای قراردادهای بعدی و رضایت ندادن به کمتر از آنها، از جمله افزایش دوبرابری دستمزدها و بیست روز کار و ده روز مرخصی، پرداخت طلبهای کارگران و بازگشت به کار کارگران اخراجی، واکسیناسیون همگانی و بهبود قابل قبول وضع کمپها و کیفیت غذا از جمله خواستههای فوری و همین امروز کارگران اعتصابی نفت است. علاوه اینکه خواست اصلی این کارگران همانطور که اشاره کردم قطع دست پیمانکاران و لغو قوانین ویژه اقتصادی است و این کارگران تحقق خواستههای فوری خود را قدمی در راستای تنگ کردن عرصه بر پیمانکاران و جمع شدن بساطشان و ضربه ای بر قوانین ویژه اقتصادی میدانند. تا کنون اعتصاب و اعتراضات کارگران نفت با توجه و پشتیبانی وسیعی روبرو شده است. باید صدای کارگران نفت در سطح جامعه و در سطح جهان باشیم.

اند که به کمتر از اینها رضایت نخواهند داد. علاوه آن بخش از کارگرانی هم که سر کار رفته اند در محل کار پیگیر مطالباتشان هستند و میگویند دیگر حاضر به قبول شرایط تحقیر آمیز کمپ ها و شرایط برده وار تا کنونی نیستند. به عبارتی روشنتر با این اعتصابات مراکز نفتی دیگر آرام و قرار ندارد و لرزه ای در آن افتاده است که با خود کل جنبش کارگری را به حرکت در می آورد. به اتفاقات همین هفته توجه کنید. "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" بیانیه ای با خواست واکسیناسیون رایگان و فوری انتشار داد. بعد از آن و تحصن کارگران ۲۲ شرکت نفتی در عسلویه با همین خواست در ۲۷ مرداد را شاهد بودیم. و در ادامه همین اعتراضات مسئولین فورا واکسیناسیون کارگران را آغاز کردند. قبل از آنهم در پتروشیمی ها واکسیناسیون شروع شده بود. نمونه دیگر از همین دست تبدیل قرارداد بیش از ۵۴۰ کارگر مدت معین پالایشگاه نفت لاوان از قرارداد موقت به قرارداد با مدت معین بود که خبر آنرا در همین هفته از محمد علی اخباری مدیر عامل این شرکت شنیدیم. طبعاً خواست این کارگران دائمی شدن قرارداد هایشان است. اما همین خبر خود نشانه یک عقب نشینی است. دلیلش نیز اینست که کارگران قرارداد موقت بخشی از کارگران معترض در

روبرویند، تاثیرات مستقیم خود را بر مبارزات بخش های وسیعتری از جنبش کارگری گذاشته است و بستر آماده تری برای رفتن بسوی اعتصابات سراسری در سطح جامعه فراهم شده است.

اعتصابات کارگران نفت در عین حال خود کارگران نفت را در موقعیت بسیار بهتر و قویتری برای پیگیری مطالباتشان قرار داده است. بطور مثال با قدرت اعتصاب سراسری کارگران پروژه ای رابطه پیمانکاران و کارفرمایان با کارگران بکلی تغییر کرده است. و این را در عقب نشینی هایی که در تعیین دستمزدها و یا شرایط کاری این کارگران در همین مدت صورت گرفته است بوضوح میشود دید. از جمله در حالیکه کمپهای کارگران تا قبل از این اعتراضات بیش از هر چیز به اردوگاههای جنگی و اردوگاههای کار اجباری شباهت داشت امروز شاهد اینیم که دارند از کاهش نفرات ساکنین اطاقها، تهیه وسایل زیستی مناسبتر برای کارگران و غیره و غیره صحبت میکنند. خبرهای نیز از تسویه حساب طلبهای کارگرانی که سر کار بازگشته اند حکایت میکند. علاوه در بسیاری از قراردادهای انجام شده بیست روز کار و ده روز مرخصی و افزایش دوبرابری و با افزایش درصد قابل قبولی به سطح دستمزدها پذیرفته شده و باقی کارگرانی هم که هنوز در اعتصابند اعلام کرده

کارگران قرارداد موقت، کارگران حجمی، کارکنان رسمی نیز بر سر مسائل مختلفی در اعتراض بوده و هنوز نیز پیگیر مطالباتشان هستند. همه این اعتراضات نیز بطور واقعی یک محور واحد دارند آنهم خواست برچیده شدن بساط پیمانکاران چپاولگر و لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی است. این چنین است که این بار این کارگران نفت هستند که با قدرت هزاران نفره خود دارند کل ساختارهای سیاسی و اقتصادی حاکم را به چالش میکشند و این خود یک نقطه عطف مهم در جنبش کارگری و در کل اوضاع سیاسی جامعه است. از همین رو اعتصاب سراسری کارگران پروژه ای نفت و گسترش دامنه اش به بخش های دیگر به نقطه امیدی در دل مردم تبدیل شده و تمام توجه ها را بخود جلب کرده است.

واقعیت اینست که تا همین جا مبارزات کارگران نفت دستاوردهای مهمی برای این کارگران و کل جنبش کارگری داشته است. مهمترین دستاورد آن زدن ضربه محکمی به بساط پیمانکاران مفتخور و قوانین یا در واقع بی قانونی "مناطق ویژه اقتصادی" و فضای امنیتی حاکم بر مراکز نفتی و جاری شدن خونی جدید در شریان فضای اعتراضی کل جامعه بوده است. از جمله از آنجا که بخش عظیمی از بخش های مختلف کارگری عیناً با همین معضلات

از ۲۹ خرداد ماه دهها هزار کارگر پیمانی پروژه ای نفت وارد اعتصاب شدند. بخشی از این کارگران با تحمیل یکسری از مطالبات خود از جمله افزایش دوبرابری دستمزدها و بیست روز کار و ده روز مرخصی به سر کار بازگشته اند. اما بنا بر خبرها اینها شاید فقط یک پنجم از کارگران اعتصابی باشند که سرکار بازگشته اند، بدنه بزرگ این کارگران همچنان در اعتصاب بسر میبرند. نکته اینجاست که امروز در کنار اعتصاب شاید سربلند کردن مجامع عمومی کارگران نفتی هستیم. یک نمونه درخشانش را در استان چهارمحال بختیاری شاهد بودیم که در آن کارگران اعتصابی در سطح یک استان در هفشجان جمع شدند و بر ادامه اعتصاب تا رسیدن به خواستههایشان تاکید کردند.

همانطور که قبلاً نیز نوشته ام اعتصاب در نفت فقط محدود به اعتصاب کارگران پیمانی نبوده است. بلکه در این مدت

## ادامه دادگاه حمید نوری در استکهلم

گفتگو با هرمز رها مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام

گذاشته است. در ابتدا دادستان کیفرخواست را با این عناوین که متهم مرتکب جنایات جنگی، قتل عمد و نقض قوانین بین المللی شده است، قرائت نمود. در پروسه دادگاه و در واقع در بدو آن دادستان به بازخوانی جنایات جمهوری اسلامی از همان اوان به قدرت رسیدنش تا

شرکت کرد و جان آنان را گرفت. در این رابطه گفتگوی کوتاهی داریم با هرمز رها مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام.

**انترناسیونال:** لطفاً در مورد چگونگی تشکیل این دادگاه مختصراً توضیح دهید.

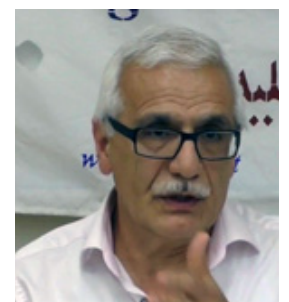
**هرمز رها:** دادگاه حمید نوری که از دهم اوت آغاز شده تا کنون چهار جلسه را پشت سر

در تابستان ۱۳۶۷ برای اعدام زندانیان سیاسی، آمده است بسیاری از این زندانیان در فاصله اوایل مرداد تا اواسط شهریور سال ۱۳۶۷، در زندان گوهردشت کرج اعدام شدند.

به گفته دادستان استکهلم، حمید نوری آن زمان دادیار زندان گوهردشت بود و همراه دیگر عاملان این زندان، در اعدامهای جمعی زندانیان

روز ۱۰ اوت ۲۰۲۱ دادستانی استکهلم کیفرخواستی علیه حمید نوری، از متهمان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ را با دو اتهام "نقض حقوق بین الملل، جنایت آشکار و قتل" صادر کرد.

در این کیفرخواست، که روز سهشنبه منتشر شد، با اشاره به دستور روح الله خمینی رهبر وقت جمهوری اسلامی



هرمز رها

ادامه از صفحه ۵

مقطع قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ پرداخت. وی به فتوای خمینی و تشکیل هیئت مرگ که متشکل از ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری فعلی و بقیه اعضای این هیئت بود و نقش ویژه حمید نوری در این رابطه اشاره کرد. در این قسمت یعنی در جلسات دوم و سوم تمرکز زیادی بر سر دوران جنگ ۸ ساله ایران و عراق، مجاهدین و پایان جنگ و تبعات بعدی آن قرار گرفت. در جلسه چهارم با اشاره به منابع موثقی مانند اسناد عفو بین الملل و نامه منتظری و اعترافات پور محمدی و تعدادی از سران دیگر رژیم، چگونگی کشتار نیروهای چپ را توضیح داد.

منتظری در رابطه با دیداری که با اعضای هیئت مرگ داشت برای خمینی و موسوی اردبیلی نامه اعتراضی نوشته فتوا و اقدامات هیئت مرگ را جنایت علیه بشریت نامیده است. پورمحمدی در جواب گفته است که این اعدام ها به دستور خدا و اسلام بوده و کار ما کاملاً شرعی بوده است یا اشاره به مصاحبه

نخست وزیر وقت میر حسین موسوی در جواب خبرنگاری که از اعدام های فله ای ۶۷ می پرسد، جواب تأیید آمیزی می دهد که ما در جنگ بودیم و می بایست کاری میکردیم. دادستان همچنین با اشاره به دادگاه لاهه و تریبونال بین المللی برای محاکمه سران رژیم به جرم جنایت علیه بشریت، همچنین با اشاره به مستند "آنان که گفتند نه" اثر مستندساز ایرانی نیما سروستانی، نشان داد هر چند جمهوری اسلامی این هولوکاست را انکار می کند ولی گفته های بعضی از مقامات بلند مرتبه رژیم انجام این جنایت را اثبات می کند. صحبت های شاهدان این جنایت و خانواده های اعدامیان از جمله اسناد دیگر دادستان بود که صحت و سقم این اسناد عمدتاً به تأیید سازمان ملل متحد هم رسیده بوده است.

**انترناسیونال:** جلسه بعدی کی برگزار می شود؟

**هرمز رها:** در جلسه چهارم اعلام کردند که جلسه بعدی روز جمعه ۲۰ اوت برگزار می شود این جلسه به صحبت های وکلای

شاکیان و وکلای متهم اختصاص دارد. قرائت کیفرخواست ۴۴ صفحه ای هنوز به پایان نرسیده و لازم است ابعاد و زوایای مختلف این کیفرخواست در این جلسات بررسی شود. کیفرخواست شامل ۶۵ سند و مدرک معتبر است که از اسناد و مدارک جمع آوری شده توسط بنیاد برومند، عفو بین الملل، ایران تریبونال و زندانیانی که از آن اعدام ها جان سالم بدر بردند استفاده شده است. قرار است بعد از صحبت های وکلای فرصتی هم با شاهدان و شاکیان داده شود تا دانستنی ها و گفته های خود را از وقوع این جنایت به سمع دادگاه برسانند. تشکیل این دادگاه چالشی جدی برای جمهوری اسلامی است. مسئله ای بسیار با اهمیت نه فقط برای مردم ایران بلکه برای افکار عمومی در سطح جهان خواهد بود که بدانند این جنایتکاران مرتکب چه جنایات فجیعی در آن دوران شدند.

**انترناسیونال:** آیا در جلسه چهارم به طور مشخص از حمید نوری هم نامی برده شد؟

**هرمز رها:** دادستان در این

جلسه به چند نکته مهم اشاره تأکیدی داشت. یکم اینکه موج دوم اعدام ها از ۲۷ اوت تا ۶ سپتامبر سال ۱۹۸۸ میلادی اجرا شده و نه تنها مجاهدین بلکه خدانا باوران و چپ ها را هم اعدام می کردند. نکته دوم مربوط به خانواده های اعدام شدگان بود که این خانواده ها به هیچ وجه اجازه برگزاری مراسم نداشته اند. و بالاخره از حمید نوری به عنوان دادیار زندان گوهردشت در دهه شصت یاد کرده و ایشان را متهم به دست داشتن در کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ نمود و اعلام کرد که حمید نوری جزو شکنجه گران زندان بوده است. تأکید دادستان بر این بود که این شخص در موج دوم اعدام ها هم نقش داشته، زندانی ها را به هیئت مرگ می برده، بازجویی می کرده و آنها را برای اعدام به بخش مخصوص منتقل می کرده است.

**انترناسیونال:** شما که از نزدیک شاهد برگزاری جلسات دادگاه بوده و حضور منظم داشتید آیا از انعکاس خبری این دادگاه رضایت دارید؟

**هرمز رها:** همان روز اول خبرگزاری های زیادی به ویژه از طرف رسانه های فارسی زبان در داخل و بیرون سالن دادگاه حضور داشتند. ما از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام با حضور مستمر خود با گذاشتن پیکت و میز اطلاعاتی، باندرول ها و عکسهای اعدام شدگان همچنین پخش زنده گزارشات دادگاه به سهم خود تلاش کردیم تا اتفاقات و مسائل دادگاه را در حد توان به گوش بسیاری برسانیم. همچنین با رسانه های فارسی زبان و سوندی مصاحبه هایی انجام دادیم. ضرغام اسدی از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام که خود دو تن از عزیزانش را در قتل عام زندانیان سیاسی ۶۷ از دست داده با مصاحبه های مختلف به افشای جنایات جمهوری اسلامی پرداخت و از خواست های خانواده های دادخواه سخن گفت. در حقیقت به گفته بسیاری، محاکمه حمید نوری محاکمه جمهوری اسلامی و آغاز محاکمه سران ریز و درشت آن است.

**انترناسیونال:** باسپاس از شما

Those responsible for crimes against humanity will not escape justice!

Hamid Nouri is on trial for murdering hundreds of political prisoners in Iran in 1988!

سران و کار بدستان جنایتکار  
جمهوری اسلامی از دست عدالت  
نجات پیدا نخواهند یافت!

محاکمه حمید نوری در سوئد، از عاملان قتل عام  
زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷



International Committee  
Against Executions (ICAE)  
کمیته بین المللی علیه اعدام



## از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: [www.facebook.com/wpiran](http://www.facebook.com/wpiran) اینستگرام: [www.instagram.com/wpi91](http://www.instagram.com/wpi91) تلگرام: [telegram.me/wpi\\_hkki](https://t.me/wpi_hkki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵



مهدی قلیان در اینستگرام نوشت: "خواهرم #سپیده\_قلیان امروز پس از روزها تلاش به قید وثیقه به مرخصی درمانی ۷ روزه آمد. به امید آزادی"

به امید آزادی سپیده و همه زندانیان سیاسی #آزادشان\_کنید

## فتوای خامنه ای در مورد ممنوعیت خرید واکسن، دستور قتل عمد هزاران نفر از مردم شد

هفت ماه قبل روز ۱۹ دی ۱۳۹۹ خامنه ای در برنامه زنده تلویزیونی فتوا داد: "ورود واکسن آمریکایی و انگلیسی کرونا ممنوع است."

با این فتوا در هفت ماه گذشته دهها هزار نفر دیگر جانشان را از دست دادند. صرفنظر از کل سیاست های حکومت در مورد کرونا که تک تک شان علیه مردم بوده است، اما واکسن کرونا موثرترین راه مقابله با کرونا است. خامنه ای با اینکار مردم را از واکسن محروم کرد و دهها هزار بیمار جانشان را از دست دادند. اگر واکسن را

## «قاتلان خون به ناحق ریخته پسر م باید محاکمه شوند»



مادر دادخواه ،محمد داستانخواه طی پیام ویدئویی اعلام کرد:

«من از خون به ناحق ریخته پسر م نمیگذرم. قاتلان م باید محاکمه شوند. نه میبخشم، نه فراموش میکنم»

محمد داستانخواه نوجوان ۱۵ساله ای بود که در خلال خیزش آبان ۹۸ در شهر شیراز مورد اصابت گلوله نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی قرار گرفت.



اسلامی ها هر جا به قدرت میرسند اولین جنگشان با سنی و غیره، است. افکار عمومی مردم آزاده جهان را باید به میدان کشید تا فعالانه مردم این کشورها را علیه جنبش اسلام سیاسی و حکومت های وحشی و جنش اسلامی، شیعه و اسلامی حمایت کنند.

## «امارت اسلامی نمیخوایم نمیخوایم»

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۵



اعتراضات وسیع زنان افغانستانی در قم علیه طالبان

به عنوان حامی این گروه شدند.

تجمع کنندگان شعاریهای رادیکال سردادند: مرگ بر طالبان مرگ بر حامیان طالبان تا خون در رگ ماست، طالب دشمن ماست امارت اسلامی نمیخوایم نمیخوایم

شعارها نشان از همبستگی و خواست مشترک مردم در ایران و افغانستان است. مردم هر دو کشور خواهان خلاصی از حکومت اسلامی هستند.

اعتراضات وسیع زنان افغانستانی در قم علیه طالبان

دوشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۰ در پی تصاحب قدرت و دور جدید قتل عام توسط طالبان همچون روز گذشته مردم معترض در ایران دست به اعتراض زدند. اینبار زنان افغانستانی نه تنها در شهرهای تهران، مشهد و اصفهان بلکه در قم هم که یکی از مراکز استراتژیک جمهوری اسلامی است، بصورت وسیع دست به اعتراض زدند. این فعالین زن که در میدان آستانه در قم تجمع کرده بودند، خواستار تحریم کشور پاکستان



مواضع حمایتگرانه مقامات جمهوری اسلامی نسبت به طالبان!!!

دانشگاه آزادی و برابری

@UNI Barabari @uni.iran @uni.azadi.barabari

## علیرغم تلاش طالبان وحشی اسلامی برای ایجاد فضای رعب و وحشت، مردم جلال آباد دست به تظاهرات علیه طالبان زدند

آنچه افغانستان امروز را متمایز میکند وجود طیف وسیعی از زنان و مردم آزاده است که زیر بار امارت اسلامی طالبان و قوانین عصر حجر آن نمیروند. شعار امارت اسلامی نمیخواهیم که در تظاهراتهای گسترده مهاجرین افغانستانی در ایران و آلمان و آمریکا و سوئیس و سایر کشورها شروع شده است عمق نفرت مردم را از حکومت اسلامی و

قوانین اسلامی نشان میدهد. مردم افغانستان حکومت مذهبی و قومی نمیخواهند، آزادی و رفاه و امنیت میخواهند، مدنیت میخواهند، مثل انسان زندگی کنند و از چنگ وحوش اسلامی و کلیه نیروهای مرتجع که در چند دهه گذشته اینهمه فاجعه به سر مردم آورده اندرهایی یابند. باید با تمام قوا به یاری آنها برخاست.



طالبان است.

مردم در ایران و افغانستان دست طالبان و جمهوری اسلامی اسیر هستند و یک نوع خواست و اراده حقیقی بیشتر وجود ندارد و آن چیزی بجز انقلاب مردمی و سرنگونی این دو سیستم ارتجاعی و ضد بشری نیست. فعالین و تمامی بخشهای جامعه در ایران و افغانستان از اسلام سیاسی و نمایندگان مرتجعش چه طالبان و چه جمهوری اسلامی متنفر هستند و خواهان سرنگونی و نابودی آنها هستند و این خواست با همبستگی بخشهای مختلف جامعه و مبارزات سازمان یافته میتواند محقق شود. نقش عرصه های مختلف مبارزاتی از جمله دانشجویان، معلمان، کارگران و بازنشستگان در این امر بسیار حیاتی و سرنوشت ساز است.

۱۴۰۰ اینگونه مینویسد: «ابتکار برادران در شورای هماهنگی و دیگر رهبران افغانستان می تواند زمینه ساز گفت و گو و انتقال مسالمت آمیز به صلح پایدار باشد»

علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز در توئیتر خود اینگونه مینویسد: «بشپتیان مردم افغانستان و خواست و اراده آنها هستیم»

اینها بخشی از پیامهایی هستند که مقامات جمهوری اسلامی به صورت آشکار در آن از طالبان حمایت میکنند و جانین طالبان و حاکمیت این گروه تروریستی را بعنوان خواست و اراده مردم در افغانستان معرفی میکنند. البته که جمهوری اسلامی بعنوان ترویج و پرورش دهنده طالبان، اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی از طالبان حمایت خواهد کرد. نکته دقیقاً همینجاست، جمهوری اسلامی خود هم نوع

جمهوری اسلامی همواره حامی طالبان بوده و حمایت تسلیحاتی و لجستیکی خود را نیز از این گروه تروریستی انجام داده است. این بار مقامات جمهوری اسلامی بشکل علنی و با بی شرمی تمام از طالبان به عنوان خواست مردم افغانستان یاد کرده و از تحمیل این گروه تروریستی بعنوان دولت جدید افغانستان نیز حمایت کرده است. در همین رابطه ابراهیم (جلاد) رئیس بدون نام بردن از طالبان گفت: «حاکمیت اراده مردم مظلوم افغانستان، همواره امنیت ساز و ثبات آفرین بوده» و در ادامه افزود: «شکست نظامی و خروج آمریکا از افغانستان باید به فرصتی برای احیای زندگی، امنیت و صلح پایدار در این کشور تبدیل شود»

محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در توئیتر خود مورخ با ۲۴ مرداد

سایت خبری روزنه

سایت حزب کمونیست کارگری

www.rowzane.com

www.wpiran.org



## اطلاعیه های حزب

**متحد و همدوش مردم آزادیخواه افغانستان!**

رئیس جلاستقرار طالبان در افغانستان را فرصتی برای صلح اعلام میکند و عمران خان پدر خوانده طالبان در پاکستان و قیچانه ارسال طالبان به قدرت را شکستن طوق بردگی افغانستان معرفی میکند.

حکومت طالبان یعنی جنگ، سنگسار، حکومت طالبان یعنی انفجار در مدرسه دخترانه کابل و کشتار حداقل ۵۵ دانش آموز تنها به این جرم که دختر بودند و جویای دانش! حکومت طالبان یعنی اجرای احکام شریعت همان کاری که حاج سید رئیس در آن مهارت دارد و عمران خوان به اجرای آن پایبند!

حکومت طالبان یعنی عزم جزم میلیونها زن در سرپیچی و لغو تمام قوانین سیاه و ضد بشری این زامبی‌های از گور برخاسته!

موج اعتراض و مبارزه همزمان افغانستانی ما در سراسر جهان بخش غیرقابل انکاری از مبارزه ما علیه پرچمداران و بنیان گذاران این جنبش سیاه و ارتجاعی در ایران است! سیدعلی خامنه‌ای و ملا برادر و دیگر همقطارهایشان سر در یک آخور دارند و دشمن مشترکند.

رهایی زن از چنگال آپاتاید جنسی اسلامی در افغانستان مطالبه رهایی زن در ایران و سراسر مملکتهای اسلام زده است!

مبارزه برای رهایی و برابری انسان در ایران مبارزه برای رهایی و برابری انسان در افغانستان است!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری تمام مردم را به سازمان دادن اعتراض به هر شکل ممکن و حمایت از مطالبات آزادیخواهانه مردم افغانستان فرا میخواند.

زننده باد آزادی و برابری

ننگ و نفرت بر پرچمداران جنبش سیاه اسلامی.

**کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری**

۱۶ اوت ۲۰۲۱

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۷

## کارگران نیشکر هفت تپه یک ماه از طلبهایشان را گرفتند حتی اگر همه طلبها پرداخت شود اعتصاب تا تعیین مالکیت شرکت ادامه دارد

فرزانه زیلابی تاکید دارند. کارگران در سخنرانیهای خود با صدای رسا فساد و بی مسئولیتی و دروغگویی و دزدیهای حاکمین را مورد تعرض قرار میدهند. از خواستها و مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه باید قویا حمایت و پشتیبانی کرد.

داشت. بعلاوه این کارگران برخواستههای فوری دیگری چون بازگشت به کار همکاران اخراجی، تمدید قراردادهای کارگران دفع آفات و غیر نیشکری، واکسیناسیون رایگان و همگانی، رفع محدودیت اینترنتی، مختومه اعلام کردن پرونده وکیل خود

نیز به آنان پرداخت شود، باز آنها دو ماه مزد طلبکار خواهند بود و خواستههای آنها پرداخت تمامی طلبها و حق بیمه شان است. دوما حتی اگر تمام دستمزدهای معوقه نیز پرداخت شود تا وقتی وضع مالکیت شرکت روشن نشود، اعتصاب آنها ادامه خواهد

پرداخت خواهد شد. ولی هنوز خبری نشده است. همچنین گفته میشود که قرار است تا دو هفته دیگر وضع مالکیت شرکت روشن شود. کارگران اعلام کرده اند که اولاً چند روز دیگر موعد پرداخت دستمزد مرداد ماه نیز فرا میرسد و اگر امروز یک ماه دیگر مزد

روز ۲۴ مرداد کارگران نیشکر هفت تپه در سی و چهارمین روز اعتصاب خود در مقابل فرمانداری شوش تجمع کردند. بنا بر خبرها روز گذشته یکماه از دستمزد معوقه آنان پرداخت شد و وعده داده شده که یکماه دیگر از دستمزد آنها امروز



## اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه در روز ۲۶ اعتصاب ادامه دارد

آفات، واکسیناسیون رایگان و مختومه اعلام شدن پرونده وکیلشان فرزانه زیلابی به اعتراض خود ادامه میدهند. زنده باد کارگران نیشکر هفت تپه. حزب کمونیست کارگری ایران ۲۶ مرداد ۱۴۰۰، ۱۷ اوت ۲۰۲۱

تاکید دارند. کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که تا تعیین تکلیف مدیریت شرکت و پرداخت کامل حقوقها و پاسخگویی به دیگر مطالباتشان چون بازگشت به کار کارگران اخراجی، تمدید قراردادهای کارگران غیر نیشکری و دفع

با هزار جور تبلیغات پرداخت شده است. اما حقوق بسیاری از کارگران از جمله در بخشهای کشاورزی، امور مالی، بازرگانی و امور اداری پرداخت نشده است. کارگران نیشکر هفت تپه بر پرداخت حقوق کامل به همه همکاران و تسویه حساب کامل

مجمع عمومی شان تا زمان تعیین تکلیف آن هر روز جلوی فرمانداری تجمع خواهند کرد و در آنجا حضور و غیاب کارگران ثبت خواهد شد. مورد دوم اینکه بالاخره بعد از اعتراضات بسیار کارگران نیشکر هفت تپه در دو روز اخیر دو ماه مزد آنان آنهم

روز سه شنبه ۲۶ مرداد کارگران نیشکر هفت تپه مثل روزهای گذشته مقابل فرمانداری شوش تجمع کردند و پیگیر مطالبات خود شدند. در این تجمع یکی از کارگران طی سخنانی اعلام کرد که هفت تپه مدیریتی ندارد و بر اساس تصمیم قبلی

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۸

## تبدیل قرارداد کارگران مدت موقت پالایشگاه لاوان و تجمع کارگران شرکت پاژن و خبرهایی دیگر

- زیر فشار اعتراضات کارگران قرارداد بیش از ۵۴۰ کارگر مدت موقت پالایشگاه نفت لاوان از قرارداد موقت به قرارداد با مدت معین تبدیل شد. محمدعلی اخباری مدیرعامل شرکت پالایش نفت لاوان در رابطه با این موضوع اعلام کرد که با اجرای این برنامه برای بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران قرارداد مدت موقت سمت سازمانی تعیین می شود که تعیین سمت سازمانی منجر به بهبود وضعیت حقوق، معیشت و امنیت شغلی این دسته از همکاران خواهد شد. این گفتار نشانه عقب نشینی مقامات حکومتی در برابر اعتراضات گسترده کارگری است. خواست اصلی کارگران نفت کوتاه شدن دست پیمانکاران و دائمی شدن قراردادهاست. بیش از یکماه است که کارگران پروژه ای نفت در اعتصابند و کارگران قرارداد موقت نیز در این مدت اعتراضات متعددی با خواست تبدیل وضعیت قراردادهایشان داشته اند.

- روز دوشنبه ۲۵ مردادماه مازیار سیدنژاد از فعالین کارگری زندانی با تودیع قرار وثیقه ۶۰۰ میلیون تومانی به صورت موقت از زندان اوین آزاد شد. مازیار روز ۱۷ خردادماه توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده بود. او در جریان پرونده بازداشت شدگان هفت تپه به سه سال زندان محکوم شده است. روز قبل از آن نیز اصغر امیرزادگان از معلمان زندانی با قرار کفالت از زندان فیروز آباد فارس آزاد شد. حزب کمونیست کارگری آزادی این عزیزان را به آنان، به خانواده شان و به همگان تیریک میگوید. پرونده های امنیتی آنها باید فوراً مسدود گردد. تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قیدو شرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۶ مرداد ۱۴۰۰، ۱۷ اوت ۲۰۲۱

- روز ۲۶ مرداد کارگران شهرداری کوت عبدالله بعد از



## اعتصاب در ۲۲ شرکت نفتی در عسلویه با خواست واکسیناسیون رایگان

اعتراضات مقدمه ایست برای واکسیناسیون (رایگان) کارگران در تمام شرکت های موجود در عسلویه. گفتنی است که شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت هفته گذشته طی بیانیه ای بر خواست واکسیناسیون فوری کارگران تاکید کرده و بلافاصله و با بلند شدن صدای اعتراضات برای این مطالبه، کارگران در تعدادی از پتروشیمی ها واکسینه شدند.

حزب کمونیست کارگری  
ایران

۲۷ مرداد ۱۴۰۰، ۱۸ اوت  
۲۰۲۱

بر اساس این خبر کارگران این ۲۲ شرکت همان کارگرانی هستند که با تحمیل مطالبات خود از جمله افزایش دو برابری مزد و بیست روز کار و ده روز مرخصی و برخی بهبود ها در کمپ ها به سرکار بازگشته اند و اکنون بعد از دیگر مطالبات خود از جمله بالا بردن استاندارد کمپها و وضعیت غذا هستند. در این خبر از اینکه اعتصاب

بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت امروز ۲۷ مرداد کارگران پروژه ای ۲۲ شرکت نفتی در عسلویه با خواست واکسیناسیون رایگان دست به اعتصاب زدند. این کارگران در روز قبل از آن در مقابل مدیریت تجمع داشتند. بدنبال این اعتراضات امروز واکسیناسیون کارگران در ده شرکت از این مجموعه شرکتها تا رده سنی ۴۰ سال آغاز شد و وعده داده شد که واکسیناسیون ده شرکت دیگر از فردا آغاز میشود. در خبر منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت چنین آمده است: "این واکسیناسیون با تقسیم بندی اولویت های سنی صورت میگیرد. در حالیکه کارفرما اعلام کرده بود که در وهله اول تا سن ۶۰ سال واکسن میگیرند کارگران با اعتراض خود آنرا به سن ۴۰ سال رساندند. این

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۹

## گوشه هائی از برخی از اعتراضات مردمی در ایران

### اعتراضات اینترنرها در همدان

مطالبات مشترک با اینترنرها در کرمانشاه شکل گرفته است. پنجشنبه برابر با ۲۱ مرداد ۱۴۰۰ اینترنرها مقابل دانشگاه علوم پزشکی همدان دست به تجمع اعتراضی زدند. این اعتراضات با حول خواستها و معیشتی و تحصیلی نیز مواجه

پنجشنبه برابر با ۲۱ مرداد ۱۴۰۰ اینترنرها مقابل دانشگاه علوم پزشکی همدان دست به تجمع اعتراضی زدند. این اعتراضات با حول خواستها و معیشتی و تحصیلی نیز مواجه



مقابل استانداری اصفهان دست به تجمع زدند. یکشنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۰ کشاورزان اصفهان با خواست رهاسازی مجدد آب زاینده رود

مقابل استانداری اصفهان دست به تجمع زدند. یکشنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۰ کشاورزان اصفهان با خواست رهاسازی مجدد آب زاینده رود

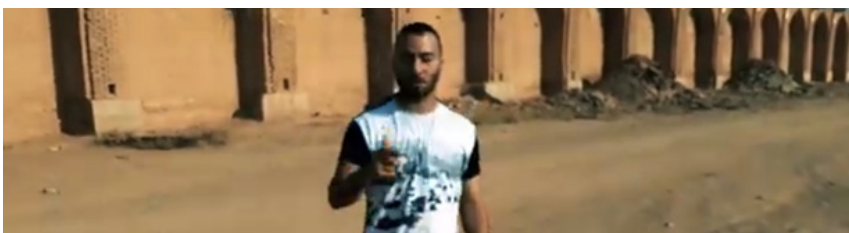


موجب بی آبی و بی برقی و فلاکت برای مردم است باید دست به اعتراض زد.

اعتراضات به بی برقی در شهرک واوان (اسلامشهر)

اعتراض مردم در شهرستان راور استان کرمان به قطع برق مردم معترض شهرستان راور در استان کرمان شنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۰ نسبت به قطعی مکرر برق در طول شبانه روز دست به تجمع اعتراضی زده و شعار دادند؛ مسئول بی کفایت استعفا استعفا

مردم معترض شهرک واوان در اسلامشهر نسبت به بی برقی مکرر که روز گذشته بیش از ۸ ساعت هم ادامه داشت، شنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۰ به خیابانها آمده و دست به تجمع اعتراض زدند. نسبت به سیاستهای سود محورانه جمهوری اسلامی که



موزیک، ترانه و اجرا: توماج توماج موزیک ویدئو جدیدی را تحت عنوان متحد شو که پیام مبارزه با گروه تروریستی طالبان را در آن اعلام میکند، امروز

حمایت هنرمندان ایران از مردم ستمدیده افغانستان در مقابله جنایتکاران طالبان ترانه: «متحدشو»



قطعهنامه پایانی کنفرانس ۱۴ آگوست در دفاع از همجنسگرایان



کنفرانس در دفاع از همجنسگرایان در کلن آلمان با حضور هشت سخنران سرشناس قطعنامه پایانی

سکس و رابطه جنسی افراد، باید امری خصوصی باشد و هیچ دولت و مذهب و قانونی نباید، در این مورد دخالت کرده و در مورد رابطه جنسی افراد بزرگسال، مقررات تعیین کرده و یا مجازات اعمال کند.

این کنفرانس خواهان لغو فوری این قوانین است و ما به عنوان سازمانی که از حقوق کسانی که از اسلام دست کشیده اند دفاع میکند، در عین حال شاهد هستیم که همجنسگرایان اکس مسلم، چگونه دو برابر در خطر جانی هستند و باید از حقوق آنها با صدای بلند دفاع کنیم.

ما خود را جزیی از جنبش جهانی در دفاع از حقوق همجنسگرایان میدانیم و از همه سازمانها و احزاب و نهادهای مدافع حقوق همجنسگرایان میخواهیم که از مبارزه و فعالیتهای همجنسگرایان در کشورهای اسلام زده دفاع کرده و صدای آنها را به گوش دنیا برسانند.

از نظر ما از همجنسگرایی در تمام دنیا باید جرم زدایی شود و باید به این دوره تاریک از حمله و تحقیر و زیر پا گذاشتن حقوق همجنسگرایان در همه جا پایان دهیم.

در کشورهای اسلام زده ، بویژه در چند دهه اخیر با قدرت گرفتن جنبش اسلامی و تحمیل قوانین شریعت در زندگی میلیونها نفر، همجنسگرایان نه فقط با خطر تعقیب و تحقیر و زندان روبرو هستند،

۱۵ اوت ۲۰۲۱

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۸

## نامه بیش از ۷۰۰ تن از خانواده های زندانیان سیاسی و جانبختگان و فعالین مدنی و سیاسی به شورای حقوق بشر سازمان ملل

بیش از ۷۰۰ تن از خانواده های زندانیان سیاسی و جانبختگان، زندانیان سیاسی، فعالین مدنی، سیاسی، حقوق بشر و کارگری با امضای نامه ای به شورای حقوق بشر سازمان ملل خواستار تشکیل یک کمیسیون مستقلی جهت جمع آوری شواهد و مدارک موجود جرائم و جنایات بین المللی رخ داده در ایران شدند. متن این نامه و امضاها را در زیر ملاحظه مینمایید.

متن این نامه و اسامی امضاکنندگان به انگلیسی ترجمه شده و برای سازمان حقوق بشر سازمان ملل، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران، سازمانهای مدافع حقوق انسانی، دولت های اروپایی، دولت کانادا و استرالیا و آمریکا ارسال گردید. متن این نامه و امضاها برای رسانه ها نیز ارسال گردید.

این نامه کیفرخواست صدها نفر است که خواهان رسیدگی به جنایات جمهوری اسلامی هستند. ما از شما دعوت میکنیم از این نامه و خواسته مطرح شده حمایت کنید و در کشورهای مختلف برای دولت محل اقامتتان، اتحادیه های کارگری و سازمانهای بشردوست ارسال دارید و از آنها بخواهید با ارسال نامه به شورای حقوق بشر سازمان ملل خواستار تحقیقات مستقل در رابطه با زندان، شکنجه، سرکوب و اعدام مردم در ایران شوند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران  
۱۵ آگوست ۲۰۲۱ برابر با ۲۴ مرداد ۱۴۰۰  
Facebook/IranZendaniSiasi  
www.cfppi.org

### متن بیانیه:

#### به شورای حقوق بشر سازمان ملل

در هفته گذشته، ۲۸ خرداد، شاهد نمایش انتخابات در ایران بودیم. از پیش بروشنی معلوم بود که از میان کاندیداهای فیلتر شده، حکومت شخص مورد نظر و تأیید خود را رئیس جمهور اعلام خواهد کرد و دیدیم که رئیسی را به عنوان رئیس جمهور معرفی کردند.

ما خانواده های زندانیان سیاسی، جانبختگان و فعالین سیاسی و مدنی، فعالین جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و جنبش دادخواهی، فعالین علیه اعدام، فعالین حقوق زنان، فعالین دانشجویی، کارگری، معلمان، بازنشستگان و نویسندگان، وکلا، ورزشکاران و هنرمندان، اعلام کردیم: در این انتخابات فرمایشی شرکت نمی کنیم و از نظر ما جناح اصلاح طلب و اصولگرا با هم تفاوتی ندارند.

گفتیم: شما فرزندان ما را در زمین و هوا کشتید، پاسخ حداقلی مطالبات ما که نان و آزادی بود را با زندان و گلوله دادید.

گفتیم: شما زندگی اکثریت مردم ایران را به زیر خط فقر کشانید و بنابر این ما این انتخابات فرمایشی را به رسمیت نمی شناسیم و خواستار تشکیل کمیسیون بررسی جرائم و جنایات جدیدتر و تحقیقات کیفی در ارتباط با شخص آقای رئیسی بعنوان رئیس جمهور انتصابی هستیم. شواهد و اسناد کافی نشان می دهد که ایشان در « هیئت مرگ ۴ نفره » و یا همان « هیئت مرگ » مسبب قتل هزاران جوان بیگناه آزادیخواه در دهه شصت می باشد.

همچنین در دوران ریاست ایشان به عنوان رئیس قوه قضائیه، تعداد بسیاری از زنان و مردان دستگیر و شکنجه و اعدام شده اند؛ از جمله: دستگیری، شکنجه و کشتن هزاران زن، کودک و مرد در اعتراضات آبانماه ۹۸، شلیک به هواپیمای اکرینی و کشتن ۱۷۶ مسافر بیگناه این پرواز، از موارد جنایت علیه بشریت می باشد.

بنابر این، ما امضاکنندگان این بیانیه، از شورای حقوق بشر سازمان ملل می خواهیم شکایات ما را بررسی کرده و گامهای موثر و عملی با هدف تشکیل کمیسیونی مستقل جهت جمع آوری شواهد و مدارک موجود جرائم و جنایات بین المللی رخ داده در ایران، بردارد.